

غریب آزاد بخوانید دریائی از انسان:

# اختناق نابود است انقلاب پیروز است

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت، مصادف با یکصدمین زادروز دکتر مصدق، بدعت جبهه دمکراتیک ملی دهها هزار تن در دانشگاه صنعتی گرد آمدند. جبهه دمکراتیک ملی از چند روز پیش روز تولد مصدق را روز آزادی بیان و مطبوعات اعلام کرد. این ابتکار مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و برخی از گروهها و سازمانهای سیاسی و فرهنگی دیگر قرار گرفت.

در ساعت پنج و ربع بعد از ظهر محوطه چمن دانشگاه و خیابان اطراف آن از انبوه جمعیت موج می زد و در ساعت ۵/۵ ورود به دانشگاه به سختی صورت می گرفت. پیام سازمانها، گروهها و جمعیتها ی زیر در این اجتماع خوانده شد: کارگران بیکار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. بقیه در صفحه ۱۲

- کوشش میشود که کارگران دوباره به سروری سرمایه داران وابسته گردن نهند
- در هیچ انقلابی سازشکاری و فرصت طلبی تا بدین حد راه نیافته
- پرسنل انقلابی این دلاوران آگاه، امروز به اطاعت کورکورانه از همدستان رژیم سابق وادار شده اند



صدها هزار نفر از مردم آزاده میهنمان گرد هم آمده اند تا یکصدمین سالروز تولد مصدق را آنگونه که شایسته اش می باشد بزرگوار کنند. تولد بزرگ مردی را که از هرگونه تنگ نظری و کوته فکری مبرا بود، هیچگاه از برخورد آزاد اندیشه ها نهرا سید و در تمام طول زندگی مبارزاتی اش آزادی های اجتماعی را محترم شمرد.

## خجسته باد اتحاد کارگران زحمتکشان و هواداران آنها

اینک مردم روزبه روز بیشتر این واقفیت را می پذیرند که ترکیب کنونی حاکمیت سیاسی نمی تواند و نمی خواهد انقلاب مردم را درک کند و گرایش سازش با سرمایه داری وابسته دم به دم در آن نیرومند تر می شود. بدون تردید در حاکمیت سیاسی فعلی جناحی وجود دارد که محتسوا ی ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی جنبش رها تبیخش خلقهای ایران را منافع طبقاتی خود می دانند و می خواهد دیکتاتوری و وابستگی به امپریالیزم را البته در چهره ای جدید، حفظ کند.

امروز به روشنی می بینیم که استبداد و اختناق، چون گذشته و با ماهیست گذشته، اما در اشکالی جدید و با چهره های بزرگ کرده لحظه به لحظه و به گونه ای کاملاً حساب شده، دستاوردهای انقلاب را یکی پس از دیگری از مردم بازمی ستاند و می خواهد خود را همه جا تحمیل کند.

قدرت بیکران کارگران و زحمتکشان که می تواند همه مظاهر ستم امپریالیزم و سرمایه داری وابسته به آن را نابود کند، مایه هراس و بیزاری این جناح از حاکمیت است. از اینرو برای مهار کردن و انحراف آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند و در بقیه در صفحه ۲

## با تمام قدرت از شوراهای انقلابی کارگری دفاع کنیم

گروهی از کارگران ماشین سازی پارس (کارگاه تهران) طی اعلامیه ای که انتشار دادند خواستار مبارزه متحد و متشکل کارگران علیه توطئه های کارفرما شدند. در این اعلامیه کارگران از سایر رفقای خود که در کارگاههای اهورا و اراک کار می کنند خواسته اند که شوراهای انقلابی کارگری دفاع کنند. در قسمتی از اعلامیه درباره نقش شوراهای نوشته شده است:

### شورای اسکان گودنشینان:

در جامعه طبقاتی که در آن ثروت و خوشبختی در یکسو و فقر و بدبختی در سوی دیگر متمرکز شده است بزه همه چیز حتی شهرها و خانه هانیز به طبقاتی خورده است. این شکاف طبقاتی را به بهترین وجه در شهر های بزرگ می توان دید. برای نمونه تهران را در نظر بگیریم. در یکسو در شمال شهر، ثروتمندان یعنی صاحبان کارخانه ها و بانکها، کلاهی داران زمینداران، دزدان ثروت ملی، صاحبان مناصب مقامات عالی اداری و نظامی و خلاصه همه سرمایه داران استثمارگر، مفت خورها و زالوهای جامعه در کاخها و ویلاها، در بهترین آپارتمانها و خانه ها در ناز و نعمت به سر می برند. در سوی دیگر یعنی در جنوب شهر کارگران و زحمت کشان که همه ثروت جامعه را تولید می کنند اما خود از شمره کارشان بهره مند نمی شوند، در خانه های زندگی می کنند که بر آنها می توان نام همه چیز گذاشت، مگر

## درباره اخراج کارگران

کمتر کارگری است که در دوره کارش اخراج نشده باشد. بقول معروف "اخراج شتری است که دم خانه هر کارگری در جهان سرمایه داری می خوابد بخصوص در این چند ماه اخیر، اخراج بیست و سیترین شکلی خود را نشان داده است. این جا و آنجا عوامل سرمایه داران وابسته با خود آنها به دعوت دولت، برای سازندگی پاسخ مثبت داده اند. آنها به بهانه های مختلف از عدم فروش تولید گرفته تا عدم ورود مواد خام و کالاهای نیم ساخته اخراج، تولید کارخانه را کاهش می دادند و یا موقتا کارخانه را تعطیل می کردند و صدها کارگر را اخراج می نمودند. بقیه در صفحه ۲

## گودنشینان باید هر چه زودتر دارای خانه شوند

خانه مسکونی، و در این میان گودهای جنوب شهر به بهترین وجهی ظلم و ستمی را که در این جامعه بزرگمکتشان روا داشته می شود نشان می دهند. گودهای جنوب شهر که از رفغان سالها استثمار و غارت کشور ما توسط امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و در راس آنها درباریان وطن فروش بوده است سند محکومیت نظامی است که سالها بر میهن ما حاکم بود. بقیه در صفحه ۱۱

## راهپیمائی علیه امپریالیزم امریکا

هموطنان مبارز اعتراض سنای امریکا و دارو دسته مردم ایران است، چرا که دفاع از تولید صهیونیسم بین المللی به اقدامهای انقلابی در ایران، بیانگر خصومت آشتی ناپذیر امپریالیستها با خواسته های برحق مردم میهن ماست. امپریالیستها که با توطئه های متعدد نتوانستند مردم ما را بفریبند، اکنون با تبلیغات خود می خواهند از جنبشگران، غارتگران و خاندین به خلقهای ایران حمایت کنند. اما قطعنامه سنای امریکا که به پیشنهاد سناتور "جاکوب جاوریتس" تصویب شد بیانگر دشمنی امپریالیستها با انقلاب

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# کارگران سخن میگویند: وزیر کار نماینده کارفرماست!

## قانون کار در جامعه طبقاتی، یک قانون طبقاتی است

در شماره قبل در مورد قانون کار حقایق را از زبان یک رفیق کارگر شنیدیم و حالا نظریات عده دیگری از کارگران در این باره ...

مهمترین چیزی که در خدمت کارفرماست و کارفرما همیشه از آن بر علیه کارگر استفاده می کند، مجموعه قوانین و مقررات کار و تامین رفاه اجتماعی است. به همین ماده اول قانون کار توجه کنید. در این ماده آمده "هر کارگری که استخدام می شود باید شرایط کارفرما را قبول کند. یعنی هر جایی که کارفرما خواست برود. ما کارگران دیگر نمی توانیم این جور قوانین را قبول بکنیم."

"ما راجع به حداقل مزد خیلی تلاش کردیم، هر جا رفتیم به حرفهای ما گوش ندادند رفتیم وزارت کار، نشستیم، صحبت کردیم. گفتیم با این حداقل مزد یک مرغ راهم نمیشود نگاهداشت. به ما جواب دادند که (اگر ما به کارگر بیشتر مزد بدهیم نظام اجتماعی به هم می خورد) ما خندیدیم، رفتیم همین حرفها را به کارگر ها گفتیم."

"ماده ۳۳ قانون کار به هیچ وجه قابل قبول نیست. در این ماده کارفرما اجازه دارد هر آن که می خواهد کارگر جدیدی بگیرد یا کارگری را بیرون کند، من که ۱۱ سال کار می کردم، بعنوان اخلاکگر یا خرابکار بیرون کردند. ما کارگران باید دست به دست هم بدهیم، تشکل بوجود آوریم و این قانون کار را عوض کنیم"

ما چه فرقی با دیگر انسانها داریم؟ به ما می گویند کمونیست!

"کمونیسم می گوید مساوات" آیا مساوات بده؟ برابری و برابری بده؟ بحث بر سر قانون کار است. ما باید بدانیم که قانون کار در جامعه طبقاتی قانونی طبقاتی است. چرا؟ برای اینکه عده های انگشت شمار از دسترنج من و تو زحمتکش تغذیه می کنند. عاملینی را به اسم حقوقدان استخدام می کنند. حضرات حقوقدان هم می آیند و به اصطلاح قانون کار برایشان تنظیم می کنند. این قانون کار چه در کشور ما و چه در کشورهای سرمایه داری دیگر، رفیق من، همیشه منافع بهره کشان را حفظ کرده و خواهد کرد. بعد از سال ۳۲ و وقتی که نهضت مردمی در کشور ما به وسیله امپریالیسم و حامیان امپریالیسم سرکوب شد، قانون کاری که به نام بوجود آوردند که من زحمتکش مثل یک برده قرون وسطایی زندگی کنم. برادر من رفیق من، شورای به اصطلاح "حل اختلاف"، نماینده کارفرماست. وزیر کار نماینده کارفرماست. نماینده کارگران هم که فرمایشی بود. همه اینها باعث می شد که تورا اخراج کنند بدون یکشاهی. نماینده فرمایشی هم می آمد و می گفت:

"آقا ما حد اکثر تلاش را کردیم برای اخراج، سالی دو ماه میگیریم."

بعد از سی سال کار می بایست سرکوب و خبیان بایستی، بگی سیگار داری یا فلان چیز داری؟ آمدند و آئین نامه انضباطی کار را در مورد یکسال در آوردند. برای من و تو زحمتکش. که اگر سه روز متوالی سرکار نرویم کارفرما بدون چون و چرا اخراجمان می کند و حق اعتراض هم نداریم. ما بطور کلی قانون کار را قبول نداریم. این قانون کار و خیلی قوانین دیگر، همه ضد کارگری هستند. ما خواستار قانون کار واقعی کارگری هستیم. و وقتی به اندازه کافی شعور سیاسی پیدا کردیم که حتما پیدا خواهیم کرد، خواستار ریشه کن شدن بهره کشی انسان از انسان هستیم.

رفیق کارگر در صحبتهایش اشاره به این قانون کار کرده و می گوید

"اولین ماده قانون کار را در نظر بگیرید. در این ماده آمده است "کارگر کسی است که از لحاظ قانون به هر عنوان بدستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار می کند."

می بینیم که همین ماده چطور جانب سرمایه دار را گرفته است. اولاً باید تعریفی کامل از کارگر و مزد و کارفرما بشود. فعلاً مزد را در نظر بگیرید. کی مزد را تعیین کرده؟ ماه به ماه یا سال به سال تغییر می کند؟ هزینه زندگی مگر دائم بالا نمی رود؟ پس چطور مزد نباید تغییر کند؟ بدن احتیاج به غذا دارد. احتیاج به استراحت دارد. اینها را چطور با مزد کم بدست بیاورد؟

سرمایه دار معلوم است چطور مزد برای کارگر تعیین می کند. در صورتی که کارگر بتواند در یک روز بخورد و تجدید نیرو کند. فقط در همین حدود و نه بیشتر. تازه مزد را باید از نظر نوع کار هم تعیین کنید. کار خطرناک یا مشکل یک کار ساده یکی نیست. پرداخت مزد میتواند بر حسب کالای تولید شده باشد. یا بر حسب زمان کار و نوع کار هیچ کدام از اینها اصلاً تعریف نشده است.

هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید

تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای

فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹.

آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، تهران - بانک ملی ایران

شعبه دانشگاه: شماره حساب ۳۲۰۹۸

بنام عباس فضیلت کلام

از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

# با تمام قدرت از شوراهای

بقیه از صفحه ۱

انواع توطئه ها و کارشکنی ها سعی در

جلوگیری از فعالیت شوراهای می نمایند.

کارگران در قسمتهای دیگر اعلامیه توضیح داده اند که کارفرما از بی اطلاعی و عدم آگاهی کارگران سوء استفاده کرده و سعی می کند آنها را نسبت به شورا بدبین نماید و وانمود کند که کارگران کارگاه راهواز و اراک قصد دارند وسایل تولید را بفروشند و پولش را برای خودشان بردارند و پایه بهانه نبودن مواد خام در کارگاه تهران، انبار کارگاه اراک را تخلیه می کند تا در آینده شورای کارخانه را برای تهیه مواد خام دچار اشکال نماید.

کارگران در پایان نوشته اند: "با آگاهی و تشکل، توطئه ها و نیرنگهای کارفرما را خنثی می کنیم. اتحاد و پشتیبانی ما از شوراهای انقلابی کارگری اراک و راهواز مشت محکمی است بر دهان کارفرمای خود فروخته ..."

# خجسته باد

بقیه از صفحه ۱

همین حال برای تقویت سرمایه داری وابسته یعنی تحکیم سلطه امپریالیسم، هر روز تلاش بیشتری می کنند و دشمنی خود را با نیروهای انقلابی آشکار می سازد.

زیر نفوذ این جناح حاکمیت هر روز یک گام از توده ها دورتر و به سرمایه داری وابسته یعنی به امپریالیسم نزدیکتر می شود.

این حرکات بدون تردید از چشم توده هایی که امروز پس از آن همه مبارزه دشمن را بخوبی می شناسند، دور نمی ماند و درست از همین روست که ناراضی از حاکمیت و سلب اعتماد از آن دم به دم اوج می گیرد.

مردمی که سالها زیر سلطه امپریالیسم بوده اند و ماهیت سانسور و اختناق را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، بخوبی منطق سانسور و اختناق و دشمنی با آزادی بیان و آزادی قلم را می فهمند و طبیعی است که با تمام توان انقلابی در برابر آن ایستادگی می کنند.

غریب آزاد میخواهانه دریایی از انسان که در یک صدمین زاد روز مصدق با فریاد "اختناق نابود است، انقلاب پیروز است" تهران را به لرزه در آورد، نشان داد که مردم خطر اختناق را جدی گرفته اند و خیلی خوب می دانند که اختناق و سرکوب آزادیها مقدمه چیست.

مراسم زادروز دکتر مصدق نشان داد که حاکمیت کنونی بسیار سریع تر از آنچه بعضی ها تصور می کردند، حمایت مردم را از دست می دهد و مردم عمیقاً از اختناق و انحصار طلبی ها به جان آمده اند.

این اجتماع برای کارگران، زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه میهن بار دیگر پیام آور این واقعت است که اختناق و استبداد در برابر مقاومت عظیم توده ها درهم خواهد شکست.

اتحاد کارگران، زحمتکشان و نیروهای هواداران آنها خجسته باد.

# درباره

# اخراج

بقیه از صفحه ۱

امپریالیستی و چه تحت سلطه همزمان با آن دچار بحران می شود و اخراجها و بیکاری های عظیمی به بار می آید. نمونه برجسته آن وضع اقتصادی کشور خودمان است که بعلت وابستگی شدید از مدتها قبل دچار بحران شدیدی شده است و بیکاری های زیاد و اخراج گروه گروه کارگران را به بار آورده است.

عاملی که این بحران را شدت بخشیده فرار سرمایه داران وابسته بوده است. ترس سرمایه داران از ملی کردن کارخانجات آنها - علیرغم تضمین های مکرر دولت - موجب آن شده است که آنها چندان تمایلی به گشودن کارخانجات و شروع به کار نشان ندهند. بعلاوه آنها خوب میدانند که کارگران با پشت سر گذاردن قیام و با درک ضرورت تشکل و سازماندهی و مبارزه مشترک، دیگر تن به استثمار و غارت شدید نخواهند داد. تشکل کارگران بیکار نمونه کوچک و بسیار ارزنده از این تلاش آگاهانه کارگران است. آنها با تشکل صنفی - سیاسی خود از سرمایه داران می خواهند که:

۱- اولاً نباید کارگر اخراج گردد.

۲- ثانیاً: در صورت اخراج و در تمام مدت بیکاری تا اشتغال مجدد بکار بایستی "حقوق کارگر پرداخت گردد"

۳- بعلاوه کارگران با علم به اینکه هیچ

یک از این راه حلها مسئله اخراج را بطور بنیادی حل نخواهد کرد، میکوشند خود را در سازمان سیاسی خود متشکل کنند و قدرت را بدست گیرند، تا در حکومت خود تولید را برای تامین نیازهای انسانی برنامه ریزی کنند و مسئله اخراج را برای همیشه حل نمایند.

ذخیره کار) بپیوندند. نمونه خوب این جریان را مثلاً می توان در کف اشیا دید که در مقابل کفش ماشینی به مرور ورشکسته می شوند. اما علاوه بر این دو عارضه فوق بایستی نتیجه ضمنی این جریان را نیز در نظر گرفت. بدین ترتیب که وفور کارگر بیکار و فشار زندگی خود و خانواده بر این بیکاران و نیز عدم تشکل و ارتباط آنها با یکدیگر باعث آن می شود که کارگران برای

استخدام بایکدیگر به رقابت بپردازند سرمایه داران هم از این موضوع استفاده می کنند و آنرا بصورت چماقی در می آورند و همواره روی سر کارگر نگه میدارند تا بر محیط کار و انظم سرمایه داران حاکم کنند و بتوانند از او بیشتر کار بکشند. بدین ترتیب که به محض اینکه کارگری از شدت کار و کمی دستمزد یا شرایط بد کار گله کند، و یا در جهت بدست آوردن ابتدائی ترین حقوق انسانی خود

به مبارزه بپردازد سرمایه داران او را اخراج می کند. زیرا می دانند که هزاران کارگر بیکار مشتاق کار وجود دارند که با محیط کار نا آشنا هستند و از تجربه کافی در کارخانه نیز برخوردار نیستند. آنچه گفته شد سیر طبیعی امور در کشوری با اقتصاد سرمایه داری است. سیر طبیعی در لحظاتی که آن جامعه دچار تولید کافی می شود و بازاری برای محصولات فراوانی که تولید کرده است نباید، بسیار وخیمتر می شود و موجبات اخراج کارگران با زهم زیادتری را فراهم می سازد. از ابتدای این قرن که سرمایه داری وارد مرحله انحصاری (امپریالیستی) خود شده است، دیگر اقتصاد جامعه های سرمایه داری کاملاً به یکدیگر وصل شده اند و شدیداً به یکدیگر تاثیر می گذارند بطوریکه دیگر مدتهاست که بروز بحران محدود به یک کشور نمی شود و اقتصاد همه کشورهای سرمایه داری، چه

قصه ما از طرح مسئله اخراج آنست که ریشه های آن را پیدا کنیم. ببینیم اصولاً چرا اخراج صورت می گیرد و چرا کارفرما که سود خود را از گردن کارگر بیرون می کشد او را اخراج می کند؟ برای پاسخ گفتن به مسئله موضوع را از دو زاویه جداگانه بررسی می کنیم.

۱- می دانیم که حاصل کار کارگر کارفرمای برد و فقط بخش ناچیزی از آن را (در حد بخور و نمیر) به کارگر می دهد. نتیجه این کار آنست که مدام بر سرمایه کارفرما افزوده می شود. سرمایه دار بخشی از این درآمد را صرف آسایش و رفاه و عیش و نوش خود می کند و بخش دیگر آن را برای مقابله با رقیب هایش مجدداً سرمایه گذاری می کند. ادامه این کار موجب آن می شود که به مرور کارخانه ها بزرگتر می شوند. همراه با گسترش کارخانه سرمایه دار فنون جدید را بکار می گیرد و بر میزان خودکاری در کارخانه خود می افزاید. او ماشین آلات و دستگاههای عظیم را بکار می گیرد تا هم تولید را افزایش دهد و هم به تعداد کمتری کارگر نیاز داشته باشد. نتیجه عملی این کار اولاً آنست که چون به نسبت گسترش کارخانه، کارگر مورد نیاز نیست، کارگران اضافی از کارخانه اخراج می شوند. ثانیاً گسترش کارخانه موجب افزایش تولید و کاهش نسبی هزینه تولید یک کالا می شود. این امر قیمت تمام شده کالا را پایین می آورد و سرمایه دار می تواند محصولش را از بازار بفروشد. فراوانی محصول و ارزانی آن موجب می شود که تولیدکنندگان خردی که در این رشته تولید می کنند، چون از عهده رقابت با این کارخانه بر نمی آیند و ورشکسته شوند و خود بصورت کارگر درآیند و به خیل عظیم بیکاران جامعه (ارتش

### وزارت کار و کمیته‌ها

## جانب کارفرما را می‌گیرند!

تهران-کارگران لرد ماکارون ، تولید کننده ماکارونی که به شدیدترین وجهی مورد استشار قرار می‌گیرند، برای رسیدن به خواسته‌های برحق خود دست به اعتصاب زدند.

اعتراض شدید کارگران ازوقتی آغاز شد که کارفرما از کارگران خواست در روز کارگر نیز کارکنند. کارگران برای اعتراض به این امر به کمیته مسجدالنبی مراجعه کردند، اما مسئولین کمیته از دادن پاسخ به آنها خودداری کردند. روز بعد کارگران دست از کار کشیدند و اعتصاب خود را تاریدن به خواسته‌های خود آغاز کردند. بالاخره کارفرما از کارگران خواست که مسائل خود را مطرح سازند و کارگران خواسته‌های خود را شرح زیر اعلام کردند.

- ۱- قوانین ضد کارگری سابق باید لغو شود.
- ۲- ۸ ساعت کار در روز.
- ۳- تعطیلات جمعه و تمام تعطیلات کارگری به کارگران حقوق بپردازند.
- ۴- پرداخت ۳۵٪ اضافه حقوق درازای هر ساعت اضافه کار.
- ۵- دادن نهار به همه کارگران و پرداخت پول آن.
- ۶- رسیدگی به وضع بهداشت شرایط وحشتناک و استثمار هولناک تا به آن حد وجود دارد که کارگران در روز ده ساعت کاری کنند.

کارفرما در جواب خواسته‌های کارگران می‌گوید شمامی توانید روزی ۸ ساعت کار کنید، اما حقوق شما را ۲۱/۵ تومان می‌پردازم. او در مورد تعطیل جمعه‌ها گفت که اگر می‌خواهید روزهای جمعه تعطیل باشید، اشکالی ندارد. ولی حقوق جمعه را نخواهم پرداخت.

کارگران که نتیجه ای از صحبت خود با کارفرما نگرفتند به وزارت کار مراجعه کردند، اما وزارت کار نیز هیچگونه اقدام عملی در جهت خواسته‌های کارگران انجام نداد و کارگران بناچار به کمیته مراجعه کردند تا شاید در آنجا به وضع آنها رسیدگی شود. اما باکمال تعجب مشاهده می‌کنند کارفرما مشغول گفتگو با رئیس کمیته است و رئیس کمیته کارگران را تهدید می‌کند که اگر اعتصاب کنید شماره تحویل دادگستری می‌دهم. کارفرما هم از موقعیت استفاده می‌کند و به کارگران می‌گوید که من بیش از ۲۱/۵ تومان مزد روزانه به شما می‌دهم. کارگران پیشنهاد می‌کنند که کارفرما پانزده تومان بپردازد و اضافه کار را هم روی حقوق بکشد و یا اینکه با همان ۱۰ ساعت کار در روز جمعاً ۶۰ تومان مزد بپردازد. اما این پیشنهادات مورد قبول کارفرما قرار نمی‌گیرد و سرانجام کارفرما، کارگران اعتصابی را اخراج می‌کند. در ضمن پیشنهاد می‌کند کارگرانی که با این شرایط حاضرند کارکنند می‌توانند برای استخدام مجدد مراجعه کنند. اعتصاب کارگران لرد ماکارون و اخراج کارگران اعتصابی نشان می‌دهد که در جامعه ما مثل هر جامعه سرمایه داری دیگر، وزارت کار، دادگستری، کمیته‌ها، دولت و غیره همه از سرمایه داران دفاع می‌کنند و حقوق کارگران به شدیدترین وجهی پایمال می‌گردد.

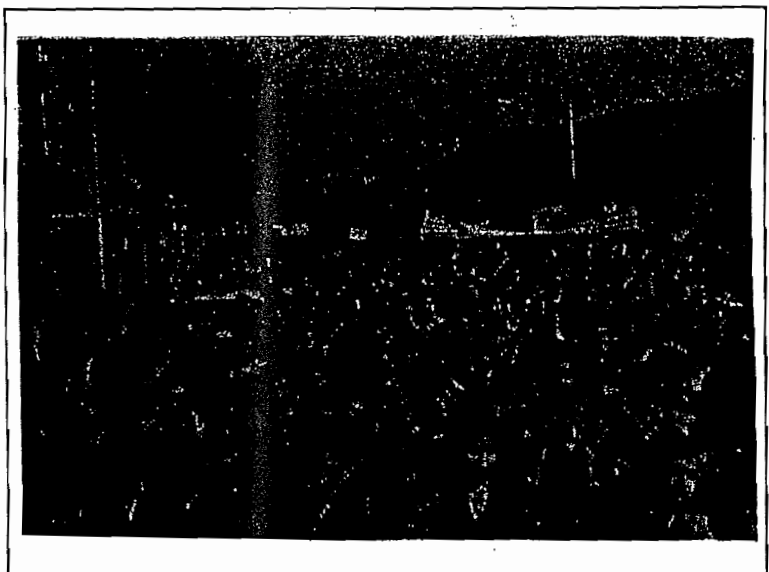
## کارگران، کنترل کنندگان اصلی کارخانه‌ها

تعلیل شده دومرتبه شروع به کار کنند و کارگاههای زیادی به علت فرار سرمایه دارها و صاحبان آنها تعطیل شده است و در نتیجه عده زیادی از کارگران بیکارند. ایجاد کار یکی از عمده ترین وظایف دولت فعلی است و برای حل این مشکل می‌بایست کارگاهها و کارخانه‌ها را کنترل کرد.

تعلیل شده دومرتبه شروع به کار کنند چه کسی بهتر از خود کارگران می‌تواند کنترل این کارخانه‌ها و کارگاهها را بدست گیرد؟ ولی دولت از نیروی کارگران وحشت دارد و از سیردن کارخانه‌ها بدست شورا-های کارگری خودداری می‌کند و سعی می‌کند کارگران که انقلابی ترین و پیگیرترین طبقه جامعه ما هستند، در برخی نقاط این شرکتها و کارگاهها را دومرتبه بدست خود بکار انداختند و عملاً نشان دادند که قادرند بدون سرمایه دارها و کارفرماها به تولید ادامه دهند. نمونه ای از این حرکت مترقیانه کارگران رادر کارگاه تولید شن و ماسه "متو ساک - تهران" در روزنامه "کار" خواندید. اینبار خبری داریم در همین زمینه از گنبد:

"کارگران کوره آجر پزی بی بی شهروان از توابع گنبد بعد از شش ماه بیکاری و بارها مراجعه به صاحب کوره برای شروع کار، تصمیم گرفتند خودشان کار را شروع کنند و برای این منظور در تاریخ ۲/۱۵ تا تشکیل شورای کارگری از نمایندگان منتخب، کوره را راه انداختند اولین قدم شورا لغو "کارمزدی" در کوره معین نمودن حقوق روزانه برای کارگران می‌باشد. هم اکنون کوره به تولید خود ادامه می‌دهد و کنترل آن در دست کارگران است.

تظاهرات و راهپیمایی عظیم خلق ترکمن که چندی پیش بمنظور رسیدگی به حقوق پایمال شده شان صورت گرفت.



تظاهرات و راهپیمایی عظیم خلق ترکمن که چندی پیش بمنظور رسیدگی به حقوق پایمال شده شان صورت گرفت.

### کارگری دست به خود سوزی زد

تهران - صبح روز شانزدهم اردیبهشت یکی از کارگران سازمان نقشه برداری به نام حسینعلی (کورد) در جلو این موسسه دست به خودسوزی زد. این کارگر بخاطر عدم پرداخت حقوق و برخورد لفظی با سرپرست کارگران به نام خلیل آذریه این عمل اقدام کرد. بروز یک چنین حوادثی بیانگر فشاری است که در زندگی به کارگران وارد می‌شود. وقتی نتوانند زندگی خود را اداره کنند و نتوانند شان را تامین نمایند. وقتی نتوانند ساده ترین نیازهای زندگی را برآورده سازند به ناچار مرگ را انتخاب می‌کنند.

### در ((سدکو)) چه می‌گذرد؟

شرکت‌های سرمایه داری، چون نمی‌توانند مثل گذشته از کارگران بهره‌کشی کنند پشت سرهم کارگاهها را تعطیل و شرکت‌ها را منحل می‌کنند تا بتوانند سرمایه‌های خود را در خارج از ایران و در نقاطی که برایشان سود بیشتری دارد سرمایه‌گذاری کنند. شرکت "سدکو-سد ایران" نیز یکی از همین شرکت‌هاست که سهامداران شرکت می‌خواهند کارآموزان را اخراج کنند و به دنبال آن نیز قصد اخراج همه کارگران و تعطیل نمودن شرکت را دارند.

دولت می‌تواند با ملی اعلام کردن این شرکت و ادغام آن در شرکت نفت (در قسمت حفاری چاههای نفت) از بیکاری عده‌ای کارگر جلوگیری کند. کارگران این شرکت اعلام نموده‌اند هیچ قیمتی حاضر به تسویه حساب نخواهند بود و آماده مقابله با توطئه تعطیل شرکت از طرف کارفرما هستند.

### اعتصاب و تحصن کارگران کوره‌پزخانه‌ها

سال‌ها عموماً رادر کوره پزخانه‌ها تلف کرده‌اند که بقول خودشان "نه یک تومان پس انداز دارند، و نه می‌توانند حداقل زندگی خود را تامین کنند".

**تبریز** - طی نیمه دوم اردیبهشت اعتصابهای سراسری در کوره پزخانه‌های اطراف تبریز صورت گرفت. در تمام این کوره‌ها کارگران خواستار افزایش دستمزد (در بعضی کوره‌ها تا ۶۰٪) ایجاد مسکن برای کارگران، پرداخت حق اولاد و بیمه سالن غذاخوری و حمام می‌باشند. در ضمن کارگران به علت بدبینی که به اداره کار دارند حاضر نیستند با این اداره وارد مذاکره شوند و آنرا نماینده کارفرما می‌دانند. اعتصابها در کوره‌های زیر صورت گرفته است.

کارخانه آجر ماشینی منطقه ناکجا آباد - کوره پزخانه‌های منطقه فرودگاه و کارخانه آجر فشاری بهار.

**آمل** - کارگران کوره پزخانه‌های آمل روز نهم اردیبهشت دست به اعتصاب و تحصن زدند. علت اعتصاب و تحصن بی‌توجهی به خواسته‌های کارگران بوده است.

در تاریخ ۲۸ فروردین نمایندگان کارگران پس از چند جلسه بحث و گفتگو با کارفرمایان و رئیس اداره کار، خواسته‌های خود را در یک قطعنامه ۱۰ ماده‌ای تنظیم کردند و برای برآورده شدن آن چندروزه کارفرما فرصت دادند، اما به علت بی‌توجهی به خواسته‌های آنها در تاریخ نهم اردیبهشت در اداره کار دست به تحصن و اعتصاب زدند. پس از سه روز تحصن، رئیس اداره کار به نمایندگان کارگران گفت: "عملاً از دست من کاری بر نمی‌آید، یعنی نمی‌گذارند که کاری بکنم". کارگران به فرمانداری مراجعه کردند و تحصن خود را در آنجا ادامه دادند. کارگران که از وعده و وعید به تنگ آمده بودند در جواب فرماندار که آنها را تشویق به بازگشت می‌کرد اظهار داشتند: "ما نمی‌توانیم با این وضع زندگی کنیم".

### کانون دیپلمه‌های بیکار:

رشت - دیپلمه‌های بیکار شهرستان رشت، روز ۱۷ اردیبهشت در استانداری اجتماع کردند و ضمن اعتراض به بی‌اعتنائی مقامات مسئول و قطعنامه مورخه ۵۸/۱/۲۰ طی قطعنامه جدیدی خواستار تشکیل اتحادیه دیپلمه‌های بیکار شدند.

### از حداقل ثمرات انقلابی خودبی بهره مانده ایم

بندر عباس - کارگران بیکار بندر عباس طی قطعنامه‌ای خواسته‌های خود را مطرح ساختند. کارگران بیکار در این قطعنامه ضمن تأکید بر نقش خود در انقلاب چنین نوشته‌اند:

"... متأسفانه از حداقل ثمرات انقلاب خود بی بهره مانده‌ایم، چراکه نه تنها مشاغل خود را از دست داده‌ایم بلکه حتی از سرکردن شکم خود و وزن و بچه‌هایمان نیز، ناتوانیم و به علت همین وضعیت است که به اداره کار مراجعه و خواستار بکار گماردن خودمان و طرح پیشنهادی تأسیس صندوقی به نام "صندوق حق بیکاری" شده‌ایم.

این درخواست اساسی و ضروری ما کارگران می‌باشد و بدین خاطر اکنون در این محل جمع شده‌ایم و امیدواریم که مسئولین امر با خواسته‌های بحق ما موافقت کرده‌تا ما مجبور به تحصن و اعتصاب غذا نشویم. مهمترین خواسته‌های کارگران بشرح زیر است:

- ۱- تعیین و تامین محلی برای تبادل نظر و اجتماعات کارگری.
- ۲- ایجاد کار جهت کلیه کارگران بیکار و اخراجی.
- ۳- تشکیل "صندوق حق بیکاری" جهت کارگران بیکار، برای تامین مخارج زندگی تا اشتغال بکار و دریافت حقوق.
- ۴- اخراج کلیه کارکنان خارجی در هر پست و مقام.
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد کارگری.
- ۶- تامین پزشک و داروی مجانی برای کارگران و خانواده‌ها تحت تکفل آنها.

# فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

# یادت هست؟ ((همشهری))

## شلیک به قلب ستم، از مرکز ستم

از مرگ نیز نیرومند تر برخاستی  
وباحجره دوست داشتن، خواندی  
آوازه‌های سرخ و بلندت را  
روی فلات خفته در بند  
" برپا برهنگان  
برپاگرسنگان  
برپاستمکشان"

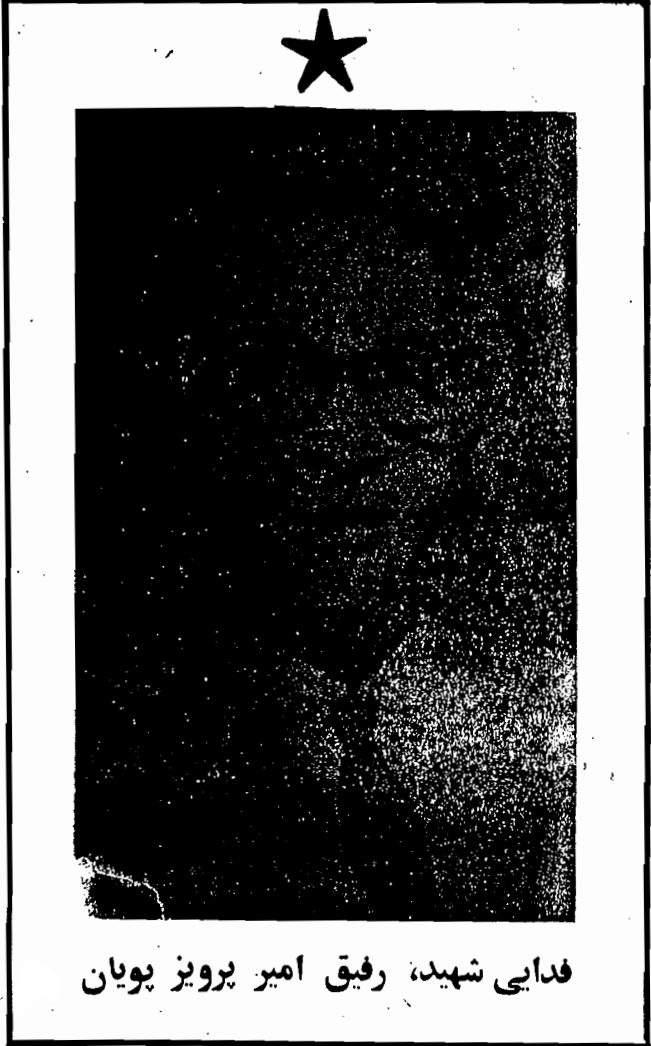
برای خلق میهنت مسلسل به دوش گرفتی  
وخشاک اسلحه ات  
با گلوله هائی از آلیاژ کینه و خشم، پر بود  
گلوله هائی از آلیاژ خشم و کینه خلق  
زیباترین زیور برای سینه مزدوران  
تو یارانت با بره های حنجره مسلسل ها  
فریاد برداشتید  
چنان عظیم، چنان عظیم  
که خلق خسته تکان خورد  
وقصرهای خون و ستم به لرزه درآمد.  
تو در دل‌های خلق می گشتی  
و همچنان می خواندی  
آوازه‌های سرخ و بلندت را  
پر شور

و در مرکز ستم، به قلب ستم شلیک می کردی  
و با گلولی کینه، فریاد برمی داشتی  
وخاک میهنت در هیجان و امید می سوخت.  
سه هزار رنجر  
سه هزار چتر باز  
لیکن آنها تنها جنازه ات را یافتند  
چراکه تو با آخرین گلوله خود  
به شهادت رسیده بودی  
با اینهمه پیش از آنکه جرات کنند  
به تو نزدیک شوند  
جنازه ات را به گلوله بستند.  
چقدر می ترسیدند.  
تو شهید شدی  
و با گلولی خونین خواندی  
آخرین سطرهای آوازه‌های سرخ و بلندت را  
روی فلات بیدار  
" مرگ بر مزدوران  
زنده باد خلق "

تو شهید شدی  
با اینهمه هنوز از تومی ترسند  
بیهوده نیست  
تنها خاطره ات  
میراث کینه‌ای که بجان‌ها ده ای  
برای شعله ور کردن آتش‌های جوان کاپیت  
تونمرده‌ای، نه.  
دریاد خلق نامت پابرجاست.  
کاش می دیدی که توفان شکوفه داده است  
ویاران ناشناخته ات که بسیاریند  
— چرا که تو رفیق خلقها بودی —  
برخاسته اند  
وجه پرشکوه.  
این شکوفه سرخ، آرزوی تو بود.  
کاینک شکفته چنین انبوه  
ای ستاره خونین.  
ای شاخه بزرگ بارور توفان.

جنگ ساواک افتادی و چند روزی مهمان دزخیمان بودی. آیا هنگامیکه تورا آزاد می کردند تا بعد برای محاکمه احضار شوی، هیچ می دانستند چه کسی را آزاد می کنند؟

سالهای دانشجویی را در تهران بیاد می آوری؟ ثبت نام در رشته علوم اجتماعی سال ۴۴. و در محیط باز تهران، چه سریع افکار نورا جذب کردی؟ عشق به خلق و ایمان به مبارزه در راهی طبقه کارگر. که همچون آتشی در دل ستم شعله ور بود، با ایمان به مارکسیسم - لنینیسم توام شد و پر سوزتر زبانه کشید.



فدایی شهید، رفیق امیر پرویز پویان

بحث های فلسفی خود را با رفیق مسعود بیاد می آوری؟ مسعود کتابهایی فیلسوفان ایده آلیست را می خواند تا بتواند در بحث ها جواب بدهد. او تورا متهم می کرد که فقط برای اینکه در قید اخلاق و وجدان نباشی، و هر چه دلت خواست بکنی، به کمونیسم روی آورده‌ای. شاید به همین خاطر بود که تصمیم گرفتی در پایان مقاله بازگردیم؟ "از کمونیست‌ها تعریفی بدست دهی. اما بیاد می آوری که وقتی رفیق مسعود خود با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد چگونه با شرمساری از توپوش خواست و گریست و تصورش را بوسیدی.

### بزرگترین هنرها، هنر انقلاب کردن است و رفیق پویان در این هنر، استاد بود

سال ۴۶ را بیاد می آوری؟ سالی که به همراه رفیق مسعود و رفیق عباس مفتاحی سازمان را پایه گذاری کردی؟ سازمانی که خود بیشترین سهم را در گسترش و تکامل آن داشتی؟ نقش تو آنچنان برجسته بود که نیازی به یاد آوری و تاکید ندارد بگذار بازم، نه از رفیق پویان عضو هسته مرکزی سازمان، بلکه از "امیر" بچه خوب مشهد بگوئیم. امیر با محبتی بی دریغ برای مردم و دوستان مردم، با عشق بی‌کسران برای طبقه کارگر، اما با کینه فراوان برای دشمنان خلق، و این عشق و کینه راهر کسی از همان نخستین دیدار، و در همه جا و همه حال، در تومی دید. آن خویشتاوند نزدیک خود را به یاد می آوری؟ همانکه با خوشحالی بچه اش را به تونشان داد و گفت: "ببین امیر، ما شاء الله چقدر چاق و تپیل و قشنگ است" اما از حیرت برجای خشک شد وقتی دید که تو ابرو درهم کشیدی و بعد با خشم و نفرت گفتی "اگر بچه کلفت شامم به همین خوبی تغذیه می شد و به او می رسیدند، همینطور تپیل و قشنگ می شد و دیگر لاغر و مردنی و کتیف نبود."

هتل مرمر - پاتوق روشنفکران را به یاد می آوری؟ تودشمن بزرگ روشنفکران پرگو و بی عمل بودی. کسانی که بقول خودت، "بودن" را برگزیده اند اما نه به "چگونه بودن" اندیشه می کنند و نه به "چرا بودن" آگاهی دارند. توبه تمام پاتوق های آنها سر می زدی تا هیچکدام از نیش تویی نصیب نمانند. از یک شاعر و منتقد بسیار مشهور و شارلاتان معنی لغت من در آوردی "دیکتاسیونیم" را می پرسیدی و او را و امید داشتی که در حضور دیگران نطق غرائی درباره این مکتب بقیه در صفحه ۸

در این شماره صفحه ادبیات کارگری مهمان بزرگی دارد. رفیق امیر پرویز - رفیقی که هرگاه مبارزات سیاسی فرصتی برایش باقی می گذاشت، در فاصله دو قرا را در یک قهوه خانه، در انتظار دیزی آبگوشت یا در هر جای دیگر، دست به قلم می برد و چیزی می نوشت. اما از آنجاکه خود هیچگاه کارهای ادبیش را جدی نمی گرفت و نیز بخاطر یورش های پلیس به خانه تیمی و به خانه دوستان و آشنایان او، آثار بسیار اندکی از او بر جا مانده است. هر چند ما اطمینان داریم همین آثار اندک نیز کافی است که او را بعنوان بزرگترین منتقد ادبی تاریخ ادبیات ایران بشناسیم.

موشکافی او در نقدهایش اعجاب - انگیز و بینش عمیق مارکسیستی - لنینیستی او در تحلیل همه جانبه و طبقاتی آثار ادبی، بی مانند است. هر نقد ادبی خود یک اثر هنری و ادبی با ارزش است. ما زهمگی دوستان و دوستانان او می خواهیم که هراتر و یادگاری که از این رفیق در نزد خود یادگاری دیگر سراغ دارند برای ما بفرستند تا هر چه زودتر کلیه آثار او را در یک جلد چاپ کنیم. (ناگفته پیداست که در مورد رفقای دیگر ما نیز این امر صادق است). از همکاری شما سپاسگزاریم.

بازگردیم، رفیق؟  
گفته بودی هرگز بازنگردیم،  
گفته بودی، ویران باید کرد  
همه پله‌ها را در پش خویش  
گفته بودی، تا فرجام نبرد  
پیش، همواره به پیش

بازگردیم؟ رفیق پویان؟ بازگشتی به سال ۵۰ سالهای پیش از آن. بازگشتی تنها برای دیدار تو. بازگشتی برای آنکه اندام کوچک و خونینت را در آغوش کشیم و غرق بوسه کنیم. بازگشتی برای آنکه بانو تجدید عهد کنیم.

هیچ حساب کرده ای، اگر دزخیمان تورا نمی ربودند، اکنون سی و سه سال داشتی. اما هشت سال پیش که تو "نیرومند تر از مرگ برخاستی و با حنجره دوست داشتن آوازه‌های سرخ و بلندت را، روی فلات خفته در بند خواندی" خیلی جوانتر از این بودی. تنها ۲۵ سال داشتی و در همان ۲۵ سالگی، مقام رهبری سازمان پیشتازی را داشتی که خودت از بنیانگذارانش نیز بودی. و در همان سن با آثار معدود خود "آب در خوابگاه مورچگان ریخته بودی" هم در خوابگاه هنرمندان اخته "معتاد به بحث های روشنفکری" با نقدهای ادبی و انتقادهای کوبنده خود و لوله انداخته بودی و هم فرصت طلبانی را که "ترس فلج کننده" خود را از دشمن با تئوریهای فریبنده "لحظه مناسب" و "شرایط مناسب" می پوشاندند تا بی عملی خود را توجیه کنند رسوا و مفتضح کرده بودی. اما تو در اندیشه خلق بودی نه جوای نام. تنها پس از شهادت حماسی تو بود که آن گروه که تا دیروز اعتنائی به تو نداشتند، به حقارت خویش و به مقام واقعی تو پی بردند. سالهای بعد از کودتارابه یادمی آوری رفیق؟ که برادرت زندانی شد؟ تو پسر بچه کوچکی بودی که همراه با دیگران به ملاقات اومی رفتی. چه خاطرات فراموش نشدنی که از این ملاقاتها نداشتی. آنقدر کوچک بودی که اجازه می دادند از در داخل زندان هم بگذری و به داخل بند بروی. آنوقت زندانیان توده ای به دور تو حلقه می زدند و برایت "لزگی" می رقصیدند تا تورا سرگرم کنند. آیا آنها نیز می توانستند تصور کنند که روزی نام این پسر بچه کوچک در همه جا خواهد پیچید و خسرو گل سرخی آنرا بر پرچم ایران خواهد نوشت؟ آیا می توانستند تصور کنند که روزی آثار تئوریک تو در مدارس خلق ظفار به زبان عربی تدریس خواهد شد؟ آیا می توانستند تصور کنند که روزی توو یارانت "به اپورتونیسم بی کسران حاکم در جنبش" که آنها خود از قربانیانش بودند، با عمل انقلابی خود پاسخی چنین قاطع و دندان شکن خواهی داد؟ و اینها همه در ۲۵ سالگی؟

سالهای دبیرستان را بیاد می آوری؟ معلم درس "بدیع و عروض و قافیہ" در دبیرستان "فیوضات" مشهد از شیطنت های توبه خشم می آمد و وقتی که بچه‌ها بازیتم "مستغفلن مستغفلن" کلاس را شلوغ می کردند، تو را مقصود محرکه می شناخت؟ او در خواب هم نمی دید که روزی به داشتن چنین شاگردی برخورد ببالد. سالهای تنفس ۳۹ و سالهای جبهه ملی و نهضت آزادی را بیاد می آوری؟ بارفقای شهید مسعود و مجید احمدزاده، و سعید پایان و چند تن دیگر در یک انجمن اسلامی مخفی به فعالیت‌های سیاسی مشغول شده بودی، ظاهر آقا پدر مسعود و مجید برای شما از اسلام مترقی و از مصدق و از ناصر سخن می گفت. و بعد، روزی که در خیابان اعلامیه بخش می کردی، پاسبانی دنبالت کرد و در یک مغازه تورا به دام انداخت. اما تو آنقدر کوچک و بچه سال بودی که او تصور می کرد کسی در خیابان به تو پول داده تا اعلامیه هارا پخش کنی. با چند کشیده و پس گردنی تورا "ادب" کرد و از مغازه بیرون انداخت. اگر می دانست که روزی برای دستگیری تو صد هزار تومان جایزه تعیین خواهد شد، هرگز چنین موجود با ارزشی را به سادگی رها نمی کرد. زندان ساواک را بیاد می آوری رفیق؟ بدنبال همین فعالیتها بود که به

شورای اسکان گودنشینان:

گودنشینان ها باید هر چه زودتر صاحب خانه شوند

روز جمعه چهاردهم اردیبهشت، برای نخستین بار انتخابات "شورای اسکان گودنشینان تهران" برگزار شد، در این انتخابات از هر گود، سه نفر برگزیده شدند تا در کنار دو مامور از شهر - داری و کمیته، شورای پنج نفره گود را تشکیل دهند. مجموعاً این شوراها "شورای مرکزی گودنشینان" را تشکیل می دهد تا در جهت اسکان گودنشینان اقدامات فوری انجام دهد. در این انتخابات نمایندگان ۱۵ گود انتخاب شدند.

مردم گودها که با کوهی از مشکلات و سختی ها روبرو هستند، آنقدر حرف و درددل دارند و آنقدر زخم و جراحت بر پیکرشان است که تنها با حضور در میان آنها میتوان گوشه هایی از آن را دریافت. گودنشینان در سخت ترین و غیرقابل تحمل ترین شرایط زندگی می کنند. نبودن کمترین امکانات زیستی (از مسکن و جابرای زندگی گرفته تا آب و غذا و بهداشت و مدرسه ...) نبودن کار برای اکثریت آنها، شیوع بیماری و وجود ناسامانی و عوارض مختلف اجتماعی که ناشی از فقر و بیکاری است و ... گوشه هایی از تصویر سیاه ظلم و ستمی است که این مردم محروم با آن روبرو هستند. شرایط زندگی در گود تا به آن حد طاقت فرساست که به گفته یکی از اهالی آنجا: "زندگی در گودها بدتر از زندانی بودن در سیاه چالهای شاه جلاد است."

اومی گفت اگر مجموعه مسائل گودها و اطاقهایی را که مادران زندگی می کنیم در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که زندگی در اینجا بدتر از زندانی بودن در زندان اوین است و می گفت اگر دولت قادر نیست مشکل بارها فوریت حل کند، ما حاضریم در سلولهای اوین زندگی کنیم. باید از نزدیک زندگی طاقت فرسای گودنشینان را دید تا بتوان فهمید که چگونه آنها ترجیح می دهند در سلولهای اوین زندگی کنند تا در گودها. بیش از ۳۰ گود بزرگ که بیشتر آنها در محدوده دروازه غار و میدان غار است دهها هزار نفر زن و مرد و کودک را در خود جای داده است. گودنشینان در گودها و گودالهایی زندگی می کنند که دهها متر پایینتر از سطح زمین است و گاهی یک گود ۱۵۰ پله تا سطح خیابان فاصله دارد. خانواده های ۱۰۰ نفری در اطاقهای کوچک گلی، نمناک و تاریک جای گرفته اند. جویهای پر از لجن و زباله، کوچه های خاکی ملو از مگس و حشره و از همه اینها بدتر و طاقت فرساست "هرزآبها و فاضلابهای" شهر تهران است که تا اطاق های گودنشینان نیز نفوذ کرده است. آری، در چنین جاهایی است که خانواده های کارگران و زحمتکشان هم میهن ما زندگی می کنند. از زبان خود آنها بشنویم که چه می گویند و چگونه زندگی می کنند و چه می خواهند:

\* "من یک کارگر ساده هستم که یک سال است بیکارم. بیشتر از ده سال است که در "گود ترقی" زندگی می کنم، همراه با زن و چهار بچه. همه مادر یک اطاق کوچک زندگی می کنیم و ماهی ۲۰۰ تومان هم اجاره می دهیم. خانه ای که مادر آن زندگی می کنیم در حدود ۸۰ متر است و ۵ اطاق کوچک دارد که در هر اطاق یک "خانواده" زندگی می کند. می پرسم "مهمترین مشکل شما چیست؟"

بازر خند می گوید: "همه زندگی ما مشکل است. اصلاً ما زوقتی که خودمان را شناختیم، چیزی جز مشکل نداشته ایم. همین حالا را در نظر بگیرید. همین حالا که می گویند رژیم گذشته از بین رفته و دست مفت خورها و زورگوها کوتاه شده است، بلی همین حالا مشکل من و هزاران خانواده گودنشینان نداشتن کار و نبودن مسکن و جابرای زندگی است. یک سال است که یک ریال درآمد نداشته ام. هر چه داشته ام خورده ام و برای فردا غذا ندارم. حرفم را بیاور کنید، نمی دانم فردا را چگونه باید بگذرانم."

\* جوان هیجده ساله ای حرف کارگر را قطع می کند و می گوید: "من کارگر نقاش ساختمان هستم و یک خانواده هفت نفری را نان می دهم. مدتی است بیکارم. البته من تنها نیستم شاید هشتاد درصد مردم اینجا در یکسال

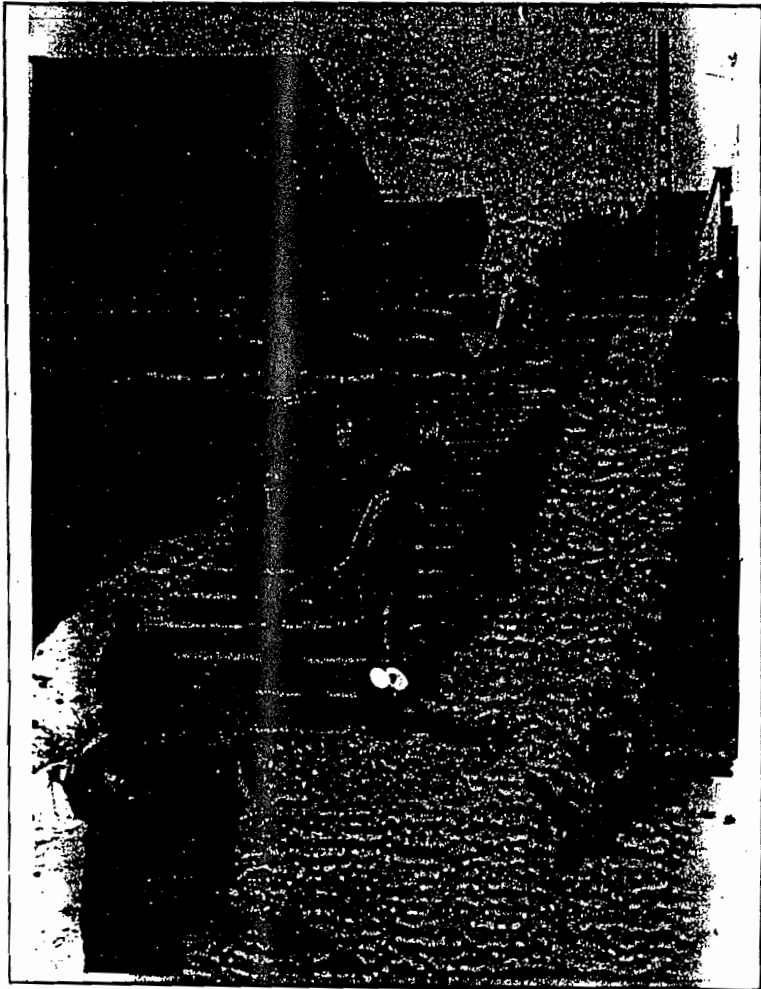
آفتاب و آب و ... می نالد و می گوید. "وقتی باران می آید خانه ما پر از آب می شود و از صبح تا شب باید آب بیرون ببریم. بوی تعفن و گنداب نیز همیشه وجود دارد و بچه های کوچک من بیشتر سال مریض هستند." در یک خانه دیگر، کارگری با شکسته همراه با زن و چهار بچه کوچکش، زندگی می کند. اومی گوید: "از شب عید بعلت تصادف پایم شکسته. نزدیک یک سال است بیکارم. کارم پاکت فروشی در بازار بود که پس از اعتصابات و تعطیل بازار، دیگر نتوانستم کار کنم. چند روز پیش پانصد تومان قرض کردم که آنهم دارد تصام می شود. این کارگر که شدت ناراحت بود می گفت:

\* "من تا قبل از اینکه پایم بشکند در مبارزه ها شرکت می کردم و امید داشتم که پس از پیروزی وضع ما کارگران تغییر کند ولی تاکنون هیچ فرقی نکرده است. خود من چند بار به کمیته ها مراجعه کرده ام وضع خود را گفتم. اما هیچ اقدامی نکردند. نمی دانم فردا وضع چه خواهد شد. ... از ساکنان گودها درباره انتخابات می پرسم. بیشتر آنها از برگزاری انتخابات با امید و آنگه وضعیتشان تغییر خواهد کرد خوشحال هستند. غده ای اظهار

"من هشت بچه دارم و پنج سال است که در این شرکت کار می کنم و تقریباً

روزی پنجاه تومان حقوق می گیرم. ماهی هزار و پانصد و هشتاد و دو تومان. البته بابت ۸۰ بیمه ۱۲۲ ریال و مالیات ۳۳۰۰ از حقوقم کم می شود. پسر بزرگ قبلاً کاری کرد که حالا پنج ماه است بیکار شده و من به تنهایی باید خرج خانواده ام را بدهم همسرا و زوج سخت زندگی، نبودن

بی اطلاعی می کنند. یکی از کاندیداها که کارگر کارخانه ساکا است می گوید: "از یک هفته پیش موضوع انتخابات شورا مطرح شد و ما نتوانستیم به اندازه کافی برای مردم این موضوع را توضیح دهیم. رادیو و تلویزیون که می توانست در این زمینه کمک کند هیچ کاری انجام نداد و فقط



روز پنجشنبه صبح جمعه خبر انتخابات را پخش کرد در حالیکه روز چهارشنبه آخرین مهلت گرفتن تعرفه های رای گیری بود.

یکی دیگر از کاندیداها بنام سیف الدین می گوید:

"ما برنامه های زیادی داریم که اجرا خواهیم کرد. این حق مردم گودنشینان است که دارای مسکن، آب، بهداشت و حداقل وسایل زندگی باشند. ما دیگر اجازه نمی دهیم بیش از این به این مردم زحمتکش ظلم شود. مردمی که مشکلات ناری خواهد نمود.

اینها مجموعه ایست از کلیه وسایل زندگی یک خانواده گودنشین. آنها هنوز باید این هموطنان زحمتکش و زجر دیده ما در محرومیت بسر ببرند؟

اطراف این جوان پر شور را گرفته اند حرفهای او را نشنید می کنند. سیف الدین اضافه می کند:

"چند روز پیش آمدند و چند کوچه را اسفالت کردند. این کارها نمی تواند اساسی باشد و مشکلی را حل کند. گودها را باید ویران کرد و بنا بر این مرمت آنها، جز دورریختن پول، هیچ نتیجه ای ندارد.

\* در بعضی از گودها چند نفری مشغول خانه سازی و یا تعمیر خانه بودند. به آنها گفتم حالا که صحبت از تخریب گودهاست شما چرا اینکار را می کنید؟ گفتند:

"سی سال است که به ما این قول راداده اند، اگر وضع بدین منوال باشد ما هیچ امیدی نداریم و فکر می کنیم تنها ما، بلکه فرزندان ما نیز خراب شدن گودها را خواهند دید."

بسیاری از اهالی گودها از افزایش انحراف و فساد در گودها گلایه دارند آنها می گفتند:

"خرید و فروش مواد مخدر، دزدی و سایر اعمال خلاف بیشتر شده است. و کمیته های منطقه نیز با اینگونه اعمال مبارزه نمی کنند. چون بعضی از افراد فاسد در کمیته ها نفوذ کرده اند."

\* شورای اسکان گودنشینان وظایف مهمی را بر عهده دارد که فوری ترین آن تهیه مسکن است. این شورا باید با تبادل نظر با مردم هر چه سریعتر، قاطعتر و بیکیفرتر وظیفه خود را که از جمله تهیه مسکن و اقدامات انقلابی که به نفع گودنشینان است، انجام دهد. ما همانگونه که مکرر گفته ایم پشتیبانی قاطع خود را از شوراهای واقعی مردم در همه جا اعلام میداریم. و برای حل مشکل مسکن گودنشینان فوری ترین راه را واکذاری آپارتمانها و خانه های فراریان رژیم پیشین و سرمایه داران وابسته به گودنشینان می دانیم. اکنون باید دید که دولت در برابر خواستهای گودنشینان و شورای آنها چگونه عمل خواهد کرد و تا چه حد آنها را در حل مشکلات ناری خواهد نمود.



کار، مسکن، آزادی

### خواستهای جمعیت بدهکاران وام مسکن

جمعیت کثیری از بدهکاران وام مسکن روز ۲۱ اردیبهشت در پارک فرح سابق (گلرخی) جمع شدند تا اعتراض خود را در مورد شرایط این وامها و سازمان بازپرداخت آنها به گوش دولت و مردم ایران برسانند. آنها خواسته های خود را با توجه به شرایط موجود که شرح مبارزات خونین مردم است، به این شرح طی اعلامیه ای منتشر کردند.

الف- تشریح شرایط و اوضاع و احوال موجود

۱- جمع بهره و کار مزدوام مسکن بیش از ۱۷ درصد می باشد که حتی در کشورهای غیراسلامی نیز معمول نیست.

۲- جمع کل مبلغ بهره و کار مزدوام مسکن بیش از اصل وام دریافتی است که نمونه ای از استثمار شدید مردم ایران است.

۳- ارزش واحد های مسکونی در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد تنزل کرده است.

ب- خواستهای بدهکاران وام مسکن

۱- اسامی سهامداران عمده بانکها و شرکت های پس انداز و وام مسکن باید به اطلاع عموم مردم ایران برسد تا معلوم شود، بهره های دریافتی از مردم رنج دیده ایران به جیب چه کسانی سرازیر می شوند.

۲- جمع بهره و کار مزد دریافتی از بابت وام مسکن نه باید از حداکثر ۴٪ تا ۶٪ به نسبت وام دریافتی، با محاسبه بهره ساده و نه مرکب تجاوز نماید.

۳- اقساط عقب افتاده وام مسکن باید بدون در نظر گرفتن بهره دیرکرد در طول مدت وام و با پس از پایان مدت وام به میل وام گیرنده اخذ شود.

۴- دریافت اقساط بازپرداخت وام بیکارگان به تعویق افتاده و از این بابت بهره دیرکرد نباید اخذ شود.

۵- دعوت هیات اجرایی بدهکاران وام مسکن برای شرکت در هر نوع بررسی به اتخاذ تصمیم نسبت به وام مسکن توسط بانکها.

۶- ما، صدها هزار نفر از بدهکاران وام مسکن، بازپرداخت اقساط وامهای

### روستائیان میگویند:

## حق خود را خواهیم گرفت!

در قریه بر سمنان حومه بابلسر کندگان زمینش به کمیته بابل شکایت حدود ۱۲ هکتار زمین وجود دارد که در گذشته بصورت مرتع مورد استفاده همه اهالی روستا بود. اما در رژیم منغور بهلولی که این زمین به آنها تعلق دارد، اما شخصی بنام سید حسین اوصیاء با تئانی چندی بعد تعدادی افراد مسلح از کمیته زاندار مری این زمین را که مورد استفاده عموم بود تصاحب نموده و در پاساژ می کنند که حق استفاده از زمین را ندارند. اعتراض روستائیان برای حدود ۷۰ نفر پرونده سازی نموده و چندتن نیز زندانی شدند تا اینکه در آبانماه گذشته مردم زمین فوق را دوباره تصاحب نموده بین خود تقسیم کردند.

پس از قیام شکوهمند مردم و بگور اعتراض به کمیته، دست به تحصن زدند و سیردن رژیم منغور بهلولی، مالک مزبور خواستهای خود را بدین شرح از ۲ نفر اهالی قریه بعنوان غصب اعلام می کنند.

۱- دستگیری مالک (سید حسین اوصیاء) .

۲- انتخاب مجدد شورای کشاورزی و انحلال شورای قبلی .

۳- توزیع مجدد زمین بین کشاورزان زیر نظر شورای ده .

۴- توضیح دلیل اخراج یکی از اعضای شورای ده در حضور کلیه اهالی اما متأسفانه مردم از تحصن نیز نتیجه ای نگرفته اخطار می کنند:

" اگر دولت جلوی چنین اجحافی را نگیرد و کمیته باز هم مزاحمت ایجاد کند، برای بدست آوردن حق خود مبارزه خواهیم کرد حتی اگر کشته شویم."

### گردهمائی نمایندگان شوراهای ترکمن صحرا

ایراد شد. در این گردهمائی آقای ارزانش روحانی محبوب مردم، و عضو شورای وقت شهر گنبد، پیرامون لزوم وحدت روستائیان و کارگران (تساوی حقوق انسانها صرف نظر از مذهب، نژاد و قومیت) نقش ضدانقلاب در حوادث اخیر حفظ ارتباط و پیوند روستاها با یکدیگر موقیعت و امنیت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و نقش روحانیت مترقی در پیشبرد انقلاب و خیانتی که روحانی نماها در درگیریها تحمیلی اخیر کرده اند (سخنانی ایراد نمود. یک سخنران دیگر، در باره حاکمیت مردم و نقش شوراهای سخن گفتند. ضرورت پشتیبانی و تحکیم و تقویت شوراهای را از ناحیه مردم، خاطر نشان ساخت. در این گردهمائی، عاشق حسن پایان یافت.

### خبرهای روستائی

منطقه، چند تن از نمایندگان روستاهای خواستهای روستای خود را مطرح کردند. خلاصه ای از خواستهای روستائیان شرح زیر است:

۱- تشکیل سندیکای کشاورزان به منظور حل رسیدگی به مسائل کشاورزان.

۲- روشن کردن وظایف کمیته ها و تعیین حدود و اختیارات آنها.

۳- تشکیل شورای دهقانی یا انجمن ده در هر محل بمنظور حل مسائل روستائی منطقه.

۴- دادن وام بدون بهره به کشاورزان.

۵- در اختیار گذاردن سموم و کود شیمیائی و حیوانی.

۶- تثبیت قیمت تولیدات کشاورزی (حمایت دولت در خرید محصولات با قیمت عادلانه)

۷- اجازه حفر چاه عمیق و تامین آب جهت کشاورزی.

۸- اختصاص دادن سهم بیشتری از آب سد کرج به منطقه علیشاه عوض.

۹- تامین برق مناطقی از روستاها که هنوز برق ندارند.

### حمله به کتابفروشی ها

تحریکات مرتجعانه علیه نیروهای مترقی و حمله به کتابخانه ها و آتش زدن و تخریب آنها همچنان در گوشه و کنار مملکت ادامه دارد.

نجف آباد (اصفهان) - کتابفروشی رود در شهرستان نجف آباد در نتیجه حملات مکرر عده ای از دانش آموزان ناآگاه که تحت تاثیر تحریکات عناصر مرتجع قرار گرفته بودند، بصورت مخروبه درآمد دانش آموزان در حالیکه توسط افراد مشکوک همراهی و تحریک می شدند، طی چند روز (از یکشنبه ۱۶ اردیبهشت تا پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت) هر روز بعد از تعطیل مدارس در حالیکه شمارهای علیه نیروهای مترقی، می دادند جلو کتابفروشی جمع شده آنجا را مورد حمله قرار می دادند، با وجود مراجعات مکرر صاحب کتابخانه به کمیته امام و شهربانی هیچگونه اقدامی در جهت جلوگیری از این تحریکات بعمل نیامد رشت - در رشت نیز شب دوشنبه ۱۶ اردیبهشت، عده ای در تاریکی شب به کتابخانه روستا حمله کردند و تمام کتابها را غارت بردند.

لاهیجان - روز سه شنبه هجدهم اردیبهشت، به مناسبت هفتمین روز شهادت آیت الله مطهری در لاهیجان تظاهراتی با شرکت در حدود ۲۰۰ نفر انجام شد. گردانندگان راهپیمایی بجای اینکه حملات خود را متوجه امیرالیهسم و ارتجاع بکنند، با برانگیختن احساسات پاک و مذهبی مردم در جهت مقاصد شومشان، شعارهای توطئه گرانه خود را علیه انقلابیون و جریانهای مترقی سمت دادند و محیط متشنجی بوجود آوردند، که رفتار هوشیارانه و توأم با ممانعت نیروهای مترقی از بروز برخورد میان مردم جلوگیری کرد.



کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

# درباره حزب طبقه کارگر

(۵)

در شماره گذشته درباره چگونگی تشکیل حزب طبقه کارگر صحبت کردیم و توضیح دادیم که حزب طبقه کارگر محصول پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودبخودی طبقه کارگر است. در این شماره می خواهیم درباره ضرورت وحدت ایدئولوژیک و سیاسی در حزب صحبت بکنیم.

میدانیم که ایدئولوژی یا جهان بینی حزب طبقه کارگر، مارکسیسم-لنینیسم است. مارکسیسم-لنینیسم آن تئوری انقلابی است که راه رهائی طبقه کارگر را از بند ستم و استثمار و ایجاد جامعه ای بدون طبقه و عاری از استثمار انسان از انسان را نشان می دهد. مارکسیسم-لنینیسم بمنابۀ سلاحی است در دست طبقه کارگر و تئوری راهنا و رهبر طبقه کارگر در مبارزه اش برای رهائی از بند استثمار و ستم است. تنها حزب طبقه کارگر که مسلح به مارکسیسم-لنینیسم است، می تواند مبارزه طبقه کارگر را برای درهم شکستن و فروریختن نظام استعماری ستم دهد و رهبری کند. لنین در این باره می نویسد:

" بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد. نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می تواند ایفا کند که دارای تئوری پیشرو باشد."

حزب برای اینکه بتواند رهبری مبارزه طبقاتی را بدست بگیرد و آن را به نحو شایسته ای رهبری کند، بایستی آن چنان سازمانی باشد که بتواند از وحدت تشکیلاتی و وحدت اراده برخوردار باشد. حزبی که دچار پراکندگی باشد مبارزه طبقه کارگر را هم نخواهد توانست رهبری کند. حزب تنها در صورتی می تواند مبارزه طبقه کارگر را هدایت کند و آنرا بسوی هدف واحد سوق دهد که همه

همه سازمانهای مختلف با هم متحد شوند و حزب را تشکیل بدهند. لنین بشدت متخالف این عقیده بود و معتقد بود که برای ایجاد حزب واحد، اول باید اهداف و وظائف حزب روشن گردد. اومی گفت که "باید اول بدانیم خواهان تشکیل چگونه حزبی هستیم" و برای این امر مفرد کردن کسانی را که دارای نظریات انحرافی بودند، لازم می دانست. او معتقد بود که باید با صداقت و آشکارا گفت که در باره

وحدت های غیر اصولی بسادگی و حتماً در مدتی کوتاه به پراکندگی و جدائی می کشد. همانقدر که آسان بدست می آید به آسانی هم از دست می رود. پراکندگی به این علت وجود دارد که جریانهای مختلف دارای خط مشی و برنامه های واخدی نیستند و همین نداشتن وحدت در برنامه و خط مشی مانع وحدت است. مانیز مثل لنین معتقدیم که قبل از آنکه وحدت کنیم و برای آنکه وحدت بکنیم

## • برای ایجاد حزب واحد متمرکز طبقه کارگر پیش از هر چیز وحدت ایدئولوژیک لازم است

اهداف و وظائف حزب دو نظریه مختلف یعنی نظریه آکونومیست ها ( کسانی که معتقد بودند طبقه کارگر باید فقط به مبارزه اقتصادی بپردازد و به مبارزه سیاسی بهائی نمی دادند) و نظریه سوسیال دموکراتهای انقلابی وجود دارد. لازم بود که ابتدا به سازمانها و گروههای مختلف این امکان را داد که در این دو جریان یکی را با فهم و ادراک انتخاب کنند و تنها پس از آنکه اینکار ضروری و مقدماتی انجام شد، تشکیل حزب ممکن می شد. لنین صراحتاً می گفت "پیش از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد گردیم ابتدا بطور قطعی و صریح لازم است خط فاصلی بین خود قرار دهیم ( منظور لنین خط فاصل بین آکونومیست ها و سوسیال دموکراتهای انقلابی است )"

بدین ترتیب پس از یک مبارزه پیگیر خط مشی ای که لنین طرح کرده بود در میان سازمانهای سوسیال دموکرات غالب گردید و زمینه تشکیل حزب فراهم شد. بعدها لنین درباره ضرورت وحدت ایدئولوژیک در حزب تأکیدات بازمی

ابتدا باید خط و مرز خود را با جریانهای انحرافی روشن و مشخص بکنیم و یک مبارزه پیگیرانه ایدئولوژیک را پایای پیشبرد براتیک مبارزه طبقاتی به پیش ببریم تا بتوانیم صحت و درستی و حقانیت مشی انقلابی صحیح را اثبات کنیم. وحدت ما با سایر جریانها بر اساس خط مشی انقلابی میتواند صورت بگیرد نه برخلاف تصور بعضی ها روی معدل نظریات جریانهای مختلف، تنها حرف و ادعای داشتن مشی انقلابی کافی نیست بلکه باید در عمل نیز نشان دهیم که واقعا دارای مشی صحیح و انقلابی هستیم. لنین می گوید:

" خود را دسته پیشرو نامیدن کافی نیست، باید آنچنان عمل کنیم که دیگر گروهها ببینند و ناچار شوند پیشاهنگی ما را بپذیرند."

بنظر ما در جریان مبارزه و بریدن آگاهی سوسیالیستی به میان کارگران و گسترش ارتباط سیاسی-تشکیلاتی با طبقه کارگر و متشکل کردن مبارزه طبقاتی کارگران است که حقانیت مشی صحیح به اثبات می رسد و نیروها بطرف این مشی انقلابی و درست جذب می گردند و وحدتی عمیق و آگاهانه بر پایه اصول و خط مشی مارکسیستی-لنینیستی صحیح صورت می گیرد.

وحدت امری است لازم و ضروری ولی برای ایجاد

باید مبارزه کرد. این وحدت در جریان مبارزه طبقاتی باید صورت بگیرد نه در پشت میزهای کنفرانس، وحدتی که پشت میزهای کنفرانس، بدون براتیک مبارزه ایجاد می شود، همانقدر که آسان ایجاد می شود، براحتی هم از هم می پاشد. عملکرد ۱۲ گروه و سازمان و وحدتشان را با یکدیگر ملاحظه کنید. یکروز با هم متحد می شوند. روز دیگر اختلاف پیدای می کنند و جدائی می شوند. چرا؟ برای اینکه وحدت-شان اصولی نیست و بر پایه لنینیسم استوار نشده است و بیشتر به سرهم بندی کردن و باند بازی شبیه است. بدون شک یک چنین شیوه هایی با مبارزه انقلابی در تضاد قرار دارد. این قبیل شیوه ها ممکن است احتمالا برای مدت کوتاهی منافعی برایشان داشته باشد ولی در دراز

بقیه در صفحه ۹

### اقتصاد سیاسی

## «پول یا گردش کالا» (۲)

کالا- پول - کالا عملی می شود. به این ترتیب مبادله کالاها سرعت می گیرد و پول بعنوان عامل گردش و دست به دست شدن کالاها عملکرد جدیدی می یابد. با گسترش و تکامل مبادله کم پول که تنها یک وسیله برای مبادله کالاها بود خود به هدف و مقصود تبدیل شد و بصورت گنج جمع آوری و نگهداری می شد. در ابتدای گردش کالا، فقط آن تولیدی که اضافه تراز مصرف بود فروخته می رسید و به پول تبدیل می شد ولی بعداً این مسئله دگرگون شد. برای اینکه فروشنده بتواند بموقع کالاها متنوع و گوناگون را خریداری کند ضرورت داشت که قبلاً کالاها را فروخته باشند تا پول آن بصورت ذخیره برای خریدهای جدید آماده باشد. بدین ترتیب در نقاط مختلف اندوخته هایی از طلا و نقره بوجود آمد. یعنی پول وسیله تجمع و انباشت ارزش با ذخیره اندوزی هم شد.

تکامل تولید کالای باعث شد که پول بعنوان وسیله پرداخت نیز عمل کند. این بدان معنی بود که برخلاف گذشته دیگر خریدار در مقابل خرید یک کالا پول نقد پرداخت نمی کند. گاهی اوقات کالا به فروشنده تحویل می شود، ولی بر اساس توافق بین آنها پول آن در موقع معینی در آینده پرداخت می شود ( معاملات مدت دار) بدین ترتیب در مقابل ارزش کالا، خریدار تعهد پرداخت می سپارد و سندی را به فروشنده می دهد که نشان دهنده بدهی اوست. فروشنده این سند را در خریدهای بعدی خود مورد استفاده قرار می دهد و معادل آن کالا دریافت می دارد. به این ترتیب این سند در معاملات متعدد دست به دست می گردد بدون اینکه پولی رد و بدل شده باشد. در این حالت پول فقط بعنوان یک عامل ذهنی برای اندازه گیری ارزش کالاها بکار می رود. برخلاف گذشته که پول واسطه مبادله بود و فروشنده کالا را به پول تبدیل می کرد تا احتیاجات خودش را به وسیله پول بدست آمده خریداری کند اکنون دیگر خریدار در شرایطی کالا را مصرف می کند که هنوز در مقابل ارزش آن پولی نپرداخته است و فقط تعهد کرده است که قیمت کالا را در موعد مشخص بپردازد.

مثلاً دهقانی را در نظر بگیرید که احتیاج به مقداری بذر برای کشت دارد و در مقابل خرید بذر، تعهد می شود که بهای آنرا در موقع درو کردن محصول و فروش آن بپردازد. به این ترتیب تنها راهی که دهقان برای بدست آوردن بذر در مقابل خود دارد تعهد پرداخت بهای آن در موعد مشخصی است که بصورت سندی در اختیار فروشنده قرار می گیرد. این یکی دیگر از عملکردهای پول در اقتصاد کالایی است که در طی سالها کم کم برای سرعت بخشیدن به مبادله بوجود آمده است.

بقیه در صفحه ۱۱

در شماره قبل به شرح چگونگی تکامل مبادله و پیدایش پول بعنوان وسیله اندازه گیری ارزش یک کالا پرداختیم. در این شماره مطلب را دنبال خواهیم کرد و عملکردهای پول را توضیح خواهیم داد.

• \* \* •

برای فروش یا خرید یک کالا باید ارزش آنرا بوسیله پول اندازه گیری کرد. "قیمت" یک کالا در واقع اندازه گیری ارزش یک کالا بوسیله پول است. به این ترتیب قیمت را می توان "نمایش پولی ارزش یک کالا" دانست. همچنین، قیمت، اساس مقایسه و مبادله کالاها با یکدیگر است. یعنی وقتی می گوئیم قیمت کالایی ۵ تومان و قیمت کالای دیگری ۱۰ تومان است در واقع با پول ارزش این دو کالا را مقایسه کرده ایم پس پول مقیاس ارزش کالاهاست. در جریان تکامل مبادله، وزن معینی از فلزات گرانبها مثل طلا و نقره بعنوان واحد پولی مورد استفاده قرار گرفت. (مثلاً زغال در ایران، لیره در انگلستان دلار در آمریکا و غیره هر کدام میزان معینی از فلزات گرانبها هستند). برای سهولت، واحدهای پولی به اجزائی تقسیم شدند. مثلاً لیره به ۲۰ شیلینگ و هر شیلینگ به ۱۲ پنی یا هر دلار به ۱۰۰ سنت تقسیم شد. در واقع هر یک از این واحدهای پولی (ریال، دلار لیره) بیان کننده مقدار معینی طلا بود که ارزش این مقدار طلا بوسیله "کار اجتماعاً لازم" برای تولید آن شخص می شد. یعنی اگر ۱۰ جفت کفش با ۵ هزار تومان پول (که پشتوانه آن یک گرم طلا است) مبادله می شود، نهایتاً می بایست کار اجتماعاً لازم برای تولید ده جفت کفش و یک گرم طلا معادل هم باشند تا این دو مقدار از کالا بتوانند با یکدیگر مبادله شوند و پول فقط نقش واسطه و بیان کننده ارزش این دو کالا را داشته است. پس پول بصورت "کالایی که وظیفه اجتماعی نمایش ارزش کلیه کالاها را بر عهده می دهد" نمایان شد. از آن زمان به بعد تمام کالاها بوسیله آن مورد ارزیابی قرار گرفتند.

بعد از تعیین قیمت یک کالا بوسیله پول، کالا باید فروخته شود. یعنی با پول مبادله شود. در این موقع پول بعنوان عامل گردش کالا عمل می کند. مبادله کالاها از طریق پول را گردش کالا می نامند. همچنین به هر میزانی که کالا در جریان مبادلات دست به دست می گردد (گردش کالا) پول هم به همان میزان دست به دست می شود. پس گردش کالا عامل گردش پول است. زمانیکه کالا از دست فروشنده به دست خریدار می رود پول نیز از دست خریدار بدست فروشنده می رود و گردش کالا بصورت رابطه

# روستائیان را در ایجاد شوراهای ده یاری دهیم

در نشریه پیام روستا (شماره ۱) مطلبی تحت عنوان فوق نوشته شده که بنا به اهمیت مسئله آنرا با اندکی تغییر منتشر می کنیم . روستائیان بخش وسیعی از جمعیت مبینان را تشکیل می دهند . آنان که از محرومترین طبقات جامعه ما بشمار می آیند تا بحال تحت سخت ترین شرایط زندگی کرده و به اشکال مختلف استثمار شده اند اختلافات اساسی روستائیان با عواممل و نهادهای سرکوب سرمایه داری وابسته نظیر گارد جنگل ، ژاندارمری ، بانکهای کشاورزی و شرکت های سهامی زراعی و امثال آن بسیار آشکار و عمیق بوده است . در یک سال اخیر که جنبش رهایی بخش خلق محروم مبین ابعاد گسترده ای یافت ، توده های روستائی نیز بطرق مختلف در این حرکت اجتماعی شرکت کردند و با برپائی تظاهرات و اجتماعات و ابراز انزجار از عوامل خود فروخته ، اعتراض به سیاست ارضی و کشاورزی رژیم ، سرپیچی از دستورات تحمیلی عوامل سرسپرده رژیم

سابق ، ناراضی خود را نشان دادند . اکنون که در اثر مبارزات دلیرانه خلق ما ، امپریالیزم و ارتجاع مجبور به عقب نشینی شده اند ، لازم است که در کنار سایر نیروهای انقلابی که دست اندر کار برپائی شوراهای انقلابی در جهت شرکت در حاکمیت و برخورداری از ثمرات مبارزات خود هستند ، کارگران و دهقانان نیز که بضرورت وحدت باید یکدیگر رسیده اند و به آن تاکید خاص دارند در جهت دموکراتیک کردن حاکمیت های محلی و منطقه ای و بالطبع گسترش دموکراسی در سطح کشور اقدام به ایجاد شوراهای کارگری و دهقانی کرده اند که مادر اینجانبه شوراهای دهقانی اشاره ای خواهیم کرد . مقدمتا میبایست توجه داشت که هیچ الگوی از پیش ساخته ای را نمی بایست جهت برپائی شوراهای بکار بست . به جهت ویژگی روستاها ، پائین بودن درصد باسواد درده و پراکنندگی محل کار و سنت گرائی و اینگونه مسائل ، می بایست

و یاری مستقیم آنها انتخاب می شوند . تعداد افراد این شورا بر حسب جمعیت ده متغیر است . مسئله دموکراسی در انتخاب این شورا مهمترین اصل است ، دوام ممکن است سدی در مقابل این اصل باشد .

۱- نفوذ سرمایه داران کشاورزی و خرده مالکین مرفه و عمال سابق رژیم که هدفشان از رخنه در این شوراهای منحرف کردن روستائیان در جهت مقاصد و منافع چپاولگرانه خودشان است که آگاهانه عمل می کنند .

۲- مورد دوم که ناآگاهانه عمل می کند ، ناشی از استحکام سنتها در سطح روستاهاست . تاخیراتی از قبیل روابط خونی و پدر سالاری و از این قبیل مسائل که در میان عشایر مستحکم بوده ، به نفوذ عناصر نامطلوب و فرصت طلب ، که اغلب در راس عشایر و روستا هستند ، منجر می شود .

مسئله دیگری که در شوراهای روستائی مطرح است جلوگیری از روحیه فردگرائی و رشد روحیه جمعی در بین روستائیان است . برگزاری مداوم جلسات شورا و تبعیت

شیوه کار ، شکل و عملکرد این شوراهای شناخت کامل و مشخص محیط هر ده در عمل پیاده شود . بخاطر برپا کردن تجربیات ، پیرامون شوراهای روستائی این نوشته طرح تحلیلی در این مورد می باشد . از همه نیروهای مبارز آشنا به مسائل روستائی انتظار داریم که نظرات اصلاحی و انتقادی خود را در این مورد ارسال دارند .

## ✦ شوراهای روستائی چیست؟

شوراهای ده یکی از اشکال عمده حاکمیت توده هاست . این شوراهای سطح روستا و بخشهای کشور ایجاد می گردد همین بررسی و تحلیل نواقص و مسائل روستا در سطح یک ده ، منجر به شرکت فعال روستائیان در تصمیم گیریهای بخش استان و کشور می گردد .

شورای ده شورای منتخب از افراد مورد اعتماد مردم است که بوسیله مردم

۲۴ ساعت ۳۶ ساعت مقاومت کرد و روز سوم خرداد غریب سلسله منطقه نیروی هوایی راه لرزه در آورد . و دریایی از گلوله باریدن گرفت . تو و رفیق پیرو ندیری در آن نبرد تاریخی و حماسی قبل از شهادت ، همسانان را از بین بردید ، و این در حالی بود که برای خنثی کردن اثر گاز اشک آور مرتب به طرف دستشویی می دویدید تا آبی به چشمهای خود بزنید . وقتی مزدوران ساواک وارد خانه شدند ، هنوز شیر آب باز بود ... تو در لحظه شهادت قطعا همان شعارهایی را می دادی که چند ماه قبل داده بودی . یادت هست که قبلا یکبار در خانه ضمن کار با سلاح ناکهان تیری شلیک شد و تو را مجروح کرد ؟ تو گمان می کردی که شهید خواهی شد ، از همین رو ، پیش از آنکه بیهوش بزمین افتی ، برخاستی و با مشت گره کرده فریاد زدی " زنده باد کمونیسم " .

چند ماه بعد در لحظه شهادت هم شعار تو چیزی جز این نمی توانست باشد همانروز ساعتی بعد رفیق اسکندر هم در برابر خانه ای که با عجله در خیابان طاووسی گرفته بود ، به شهادت رسید .

کاش چند ماه بعد در اولین زرقار می دیدی تا آن موقع بیشتر رفقای که تو می شناختی شهید شده بودند یا در زندان بودند . قبل از محاکمه و اعدام ، پلیس تقریبا همه آنها را در یک اتاق عمومی جمع کرد و برای مدتی آنها با هم بودند . کاش موقعی که حمید وارد این اتاق عمومی شد او را می دیدی . حمید وقتی در آستانه در قرار گرفت و ناگهان همه رفقا را جمع دید ، شوکه شد . صورتش را با دست پوشاند و با صدائی بلند گریه کرد . او حاضر نمی شد وارد اتاق شود . می گفت : " من چطور توی صورت شما نگاه کنم ؟ من خیانت کرده ام . " رفقا همه تحت تاثیر قرار گرفته بودند و بعضی آشکارا می گریستند بسختی توانستند او آرام کنند و به او بقبولانند که خیانت نکرده است . اگر تو هم بودی بی شک با دیگران هم صدامی شدی .

\* \* \*

وقتی صمد بهرنگی ، رفیق بزرگ تو ، شهید شد مقاله ای با امضاء " علی کبیری " بنیاد او نوشتی . اما انگار این مقاله را درباره خودت نوشته ای . تمام حرفها در مورد خودت صدق می کند . بگذار بخش آخر این مقاله را در اینجا نقل کنیم . و تنها به جای نام صمد نام تو را بگذاریم . بی شک ، صمد نیز از این کار ما خوشحال خواهد شد . چرا که او بهمان اندازه شیفته توبوده که توبه او عشق می ورزیدی .

گوش کن . این صدای خود توست .

" اکنون امیر رفته است . لیک اوبه یقین انسانی است که " جاری جاودان در رویش فرداست " سوگواران راستین مرگ امیر ، آنانند که کمتر می گویند ، کمتر هیاهو می کنند ، لیک می کوشند تا بیشتر بشناسندش . امیر مرد ، بی آنکه بهشت شناخته خویش را تحقق یافته ببیند . همین است که مرگ او را دردناک می کند و باز همین است که بر قلمرو تعهد دوستانش وسعت می بخشد . اگر چه بی چیز مرد ، برای دوستانش میراثی بر جای نهاد که در هر گام ، نشانه راه است دریافته های امیر دستکم مقدمه ای اساسی بود ، برای شناخت دیگر وادی ها . در کوشش هراسان شرافتمندی بخاطر بنیاد نهادن دنیای قابل زیست . بر مبنای این دریافتهاست که با اعتقاد می بینیم .

" دیگر بنای هیچ پلی بر خیال نیست

کوتاه شدت فاصله دوست و آرزو

بکوشیم میراث امیر را بهتر بکار گیریم و بر آن بنفرازیم و در این رهگذر نیک می دانیم که آرزوی امیر ، انتقال این میراث به تمامی انسانهای ستم دیده روزگار ما بود . "

" یادت گرامی باد ، همشهری خوب کارگران ، فدائی خلق ، رفیق کبیر "

بقیه از صفحه ۴

# یادت هست ...

ادبی که اختراع خود تو بود ، بکنند و آثار نویسندگان این مکتب سخن بگویند . اگر اندک امیدی به اصلاح یکی از این روشنفکران داشتی ، دیگر او را رها نمی کردی و تمام سعی خود را بکار می گرفتی که او را از منجلاب محیط روشنفکری بیرون بکشی با انتقادهای کوبنده خود او را به گریه می انداختی و بعد که برای دلجوئی از او به سراغ می رفتی ، در بحث های جدید " دوباره او را به گریه و امید داشتی " . این تلاشها حاصل چندانی نداشت ، اگر چه بی حاصل هم نبود .

بعضی ها واکنش نشان می دادند ، یکبار هنرمندی که از انتقادهای توبه جان آمده بود با عصیانیت گفت .

" چرا اینقدر به من می گویی روشنفکر ؟ مگر خودت چه هستی ؟ تو هم یک روشنفکر مثل من هستی که فقط حرف می زنی "

بعضی ها هم از همان نخستین برخورد ، شیفته تومی شدند . اینان رفیقان راه بودند . کسانی که وقتی پس از نخستین دیدار از تو جدا می شدند ، تا مدتی از نشسته دیدارت گنج و منگ برجا می ماندند و اعتراف می کردند .

" من برای اولین بار یک انقلابی واقعی را دیدم "

این شیفتگی متقابل بود . تو نیز به رفقای خود عشق می ورزیدی . چه بسیار خاطرات شیرین که از این شیفتگیها بر جا مانده است . رفیق غلامرضا گلوی را بیاد می آوری ؟ تعریف می کرد که یکبار توبرای تغییر قیافه باریش و عمامه بسر قرار رفته بودی . رفیق آنقدر از دیدن تو خوشحال شده بود که میخواست تو را در آغوش بکشد و با خنده و شوخی های همیشگی سرسرت بگذارد . پاک از یاد برده بود که در حضور مردم باید احترام لباس تو را نگاهدارد . اما تو با خون سردی و بالحن بسیار موقر و جدی گفته بودی .

آقا لطفا نزاکت و ادب را رعایت کن " و به این ترتیب موقعیت راه یاب او آورده بودی .

سال ۵۰ سال اوج گیری مبارزه مسلحانه بود . مصادره بانک آیزنهاور را بیاد می آوری ؟ او آخر اردیبهشت بود . توبرای کارکنان بانک و مشتریان سخترانی کردی و بین آنها اعلامیه بخش کردی و آنها با چشمان خیره شده و ستایش آمیز چریک دلاوری را در برابر خود می دیدند که عکس او بر در و دیوار شهر بود . پیرمردی که مشتری بانک بود به تو گفت :

" چرا اعلامیه ها اینقدر کم رنگ است ؟ آدم براحتی نمی تواند آنها را بخواند "

تو جواب دادی .

" امکانات نداریم . این پولها را برای همین می بریم که امکانات بهتری تهیه کنیم و اعلامیه های بعدی را بهتر چاپ کنیم "

و بعد در خواندن اعلامیه به او کمک کردی .

و بالاخره فرجام آن شیفتگی های رفیقانه را بیاد می آوری ؟ روز اول خرداد سال ۱۳۵۰ بود که رفیق حمید توکلکی دستگیر شد شما باید خانه تیمی را تخلیه می کردید ، اما تو مقاومت کردی . تو در آن لحظه با قاطعیت انقلابی لازم با مسئله روبرو نشدی . می گفتی امکان ندارد رفیق حمید در زیر شکنجه حرفی بزنند . می گفتی تخلیه خانه در واقع اهانت به اوست . البته رفیق حمید در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها مقاومت کرد . حتی خیلی بیشتر از آنچه لازم بود . او بجزای

افراد از شوراهای که در واقع منتخبین خود مردم هستند امری است که با برقراری روابط استوار و اعتماد متقابل بین این دو امکان پذیر است . هرامری که این رابطه و این گرایش متقابل را خدشه دار کند و به استحکام مرکزیت ( شورا ) ضربه می زند . نفوذ رباخواران و خرده مالکین مرفه در انتخاب . یا انحصار و تحمیل افرادی خارج از ده بر شورا بعنوان نماینده و یا مشاور فلان یا بهمان کمیته از این موارد است .

۱- باید جزو توده های روستائی و افراد زحمتکش ده باشند ( نه الزاما کشاورز بلکه افرادی از مشاغل دیگر نظیر آهنگر نجار ، بنا ، خرده فروش و ... نیز می توانند عضو شورا باشند ) .

۲- کاملا مورد اعتماد مردم بوده و هیچگونه سابقه سوئی از نظر اهالی روستا نداشته باشند .

۳- در رژیم پیشین عهده دار مشاغل ضد مردمی نبوده باشند .

۴- کمابیش آگاه و مومن به جریان جنبش و حفظ دستاوردهای انقلاب باشند .

## ✦ وظایف شورا

- ۱- اداره امور ده
- ۲- شرکت در انتخابات بخشها و نواحی و فرستادن نماینده بمنظور شرکت در تصمیم گیریها در شهرستان
- ۳- اداره و نظارت بر مصادره زمین ها و شیکه سابقا توسط عمال رژیم از توده های روستائی غصب شده است .
- ۴- مصادره و اداره شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت ها بنفع مردم .
- ۵- بررسی مسائل و نواقص روستا و بهیگیری آنها مثل آب - برق - مسکن و بهداشت ، مدرسه ، درمانگاه ، کتابخانه و غیره ...
- ۶- برگزاری جلسات بررسی بهیامون مسائل جنبش و مسائل خاص ده .
- ۷- پاکسازی محیط از عمال رژیم و مزدوران ساواک و تعیین هیئت منصفه بر مجازات این افراد .
- ۸- ایجاد کمیته های بنظرسور

حفظ و حراست از روستاها ، باغات و کشت و زرع اهالی و رسیدگی به دعاوی و اختلافات روستائیان و حل آنها .

این وظایف بین اعضای شورا تقسیم شده تا هر کدام محدوده مسئولیتهای خود را بشناسند . مثلا یک فرد مسئول حفظ و حراست روستا ، یک فرد مسئول امور رفاهی و بهداشتی و آموزشی و دیگری مسئول امور مالی و ...

شورا در قبال افراد ده مسئول بوده و می بایست بطور مداوم نتایج کارها را به روستائیان در جلسات عمومی شورا گزارش دهد .

افراد ده این حق را خواهند داشت که در مواردی که از اعضای منتخب شورا کم کاری و یا اهمال و کوتاهی مشاهده کنند آن فرد یا بعضی اوقات تمام اعضای شورا را کنار گذاشته ( حتی قبل از اتمام دوره فعالیت شورا ) و مجددا به انتخاب اعضای جدید فعال و آگاه بپردازند .





نامه ی يك كارگر از اداره ی توانیر:

نگاه های آشنا

توی خیابون ، توی کوچه و بازار  
توی تهران و شهرستان ها ، توی شهرهای  
کوچکتر جلودکه های روزنامه فروشی ، مردم  
سرک می کشند ، جوانها ، پیرها ، دخترها  
پسرها و گاهی هم بچه ها با اشتیاق تمام  
از بلای هم جلو میان . اما نگاهها  
به تخته بساط روزنامه فروشی خیره شده ،  
به هم نگاه می کنند . نگاهی پرزرد ، پرز  
کینه ، پرز نقرت ، نگاهی آشنا ، نگاهی  
که ناشناخته نیست . نگاههایی که در تمام  
طول حکومت دیکتاتوری پهلوی هم چون  
آتشزبانه کشید و تنها جرقه ای از آن کافی  
بود که اعماق انسان آزاد را بسوزاند . راستی  
این بود مفهوم آزادی ؟ شاید توقع مازید  
بوده و خودمان نمی دانیم . مردم به هم میگوین  
پادا و نوزها به خیر . روزهایی که برای  
خریدن روزنامه صف می کشیدیم و ساعتها

اختناق نابود است ...

بقیه از صفحه ۱۲

و با دلار بیهای سرنوشت ساز خود نشان دادند که فرزندان انقلابی و شایسته  
خلقهای ستم دیده ایران اند . امروز مورد اعتماد نیستند و به جای آنکه رهبری  
ارتش به دست این فرزندان راستین خلق قرار گیرد ، کوشش می شود تا این  
دلوران آگاه انقلابی دوباره به اطاعت کور کورانه فرماندهانی تن در دهند که  
همکاری و همدستی آنها با رژیم سابق بر همه روشن است و یادست کم هیچ گونه  
سابقه مبارزاتی ندارند .

آزادی مطبوعات ، این ابتدائی ترین حقوق مردم ، که همه مقامات سیاسی  
و مذهبی آن را قبول داشتند ، روزه روز ضربه تازه ای خورده است . تاجائی که  
امروز کتاب سوزی ، حمله به روزنامه فروشیها ، به آتش کشاندن مراکز پخش  
مطبوعات ، حمله به آتش کشیدن دفاتر سازمانهای سیاسی ، دستگیری و شکنجه  
روزنامه فروشان و دهها اعمال ننگین دیگر ، به هیچ پرده پوشی مورد تأیید مسئولان  
قرار می گیرند و دست از مقامات سیاسی و مذهبی که با چنین اعمالی موافق نیستند  
عملاً باسکوت خود ، بر همه این اعمال صحنه می گذارند . امروز هیچ نویسنده  
روزنامه نگار ، هنرمند و شخصیت سیاسی ترقیخواهی نیست که در ایران احساس  
امنیتی کند . اوپاشان و اخلاگران نه تنها در سراسر ایران همه جا به آید و  
شکنجه آزادیخواهان و شخصیت های سیاسی پرداخته اند ، بلکه حتی تحمل اجرای  
یک نمایشنامه انتقادی را نیز ندارند و می بینیم که در تهران حین اجرای نمایشنامه  
به بازگران حمله می شود و عملاً حقوق ابتدائی تماشاگران و هنرمندان به دست  
عده ای اوپاش از آنها سلب می شود .

راستی این چه منطقی است که از برخورد آزادانه اندیشه های ترسد ؟ این  
چه منطقی است که تنها راه موفقیت خود را در سرکوب اندیشه و اعمال خفگان  
جستجو می کند ؟ به اعتقاد ما این منطق سرمایه داری و امپریالیسم است .  
رادیو - تلویزیون که رهبران سیاسی و مذهبی نخست می پذیرفتند که باید  
منعکس کننده نظرات و عقاید همه مردم باشد ، دوباره چون گذشته به بلندگویی  
حکام بدل شده است و بجای پخش واقعی اخبار ، به جای آن که مردم را در جریان  
واقعی امور بگذارند ، به جای آنکه منعکس کننده نظرات و عقاید نیروهای مختلف  
یعنی منعکس کننده نظرات همه مردم باشد ، عملاً به حربه سرکوب آزادیخواهان  
بدل شده است و چنان اختناق و سانسوری بر آن حاکم است که روی رژیم گذشته را  
سفید کرده است . امروز رادیو - تلویزیون به سنگر دشمنان آزادی بدل شده  
است و از آنجا به قلب آزادی مدام آتش می شود . نقش تحریک آمیز رادیو -  
تلویزیون ، بزرگ کردن وقایع مورد تأیید و سانسور یا تحریف حقایق که مطلوب  
مقامات نیست ، فحاشی به مطبوعات و آزادیخواهان و فریب افکار عمومی بر هیچیک  
از روشنفکران آزادیخواه مین پوشیده نیست .

امروز ما به وضوح صدای هولناک پای فاشیسم را می شنویم که هر لحظه نزدیکتر  
می شود . نفس فاشیسم اکنون روزه روز بیشتر برگونه های آزادیخواهان احساس  
می شود . دهها تن از فدائیان که در سخت ترین شرایط ، پیشاپیش همه رزمندگان  
با جلا دادن شاه و با عوامل صهیونیسم و امپریالیسم جنگیده اند و برخی از آنها تا  
آخرین روزهای پیش از قیام در زندانهای رژیم شاه بوده اند ، اینک بیش از یکماه  
است که بدون هیچ دلیلی ، در بند اسارت رژیم فعلی گرفتارند و درخور توجه است  
که کسانی آنان را بازداشت کرده و به کمیته ها تحویل داده اند که خود از همدستان  
رژیم سابق بوده اند .

بر مطبوعات و روزنامه نگاران آزادیخواه ، عرصه را چنان تنگ کرده اند که  
برخی از روزنامه ها فعالیت روزنامه نگاری مخفی اختیار کرده اند و برخی  
عملاً از فعالیت باز مانده اند .

به اعتقاد ما این اعمال ضد انقلابی ، از هتک حرمت مطبوعات گرفته تا  
آدم ربائی و شکنجه آزادیخواهان ، ایجاد ناامنی و جلوگیری از فعالیت نیروهای  
سیاسی و تبدیل دوباره سربازان ، افسران و درجه داران انقلابی به مهره های  
دست فرماندهان ارتش و دروغ پردازها و عوامل فریبی های رادیو - تلویزیون  
جملگی اجزاء به هم پیوسته توطئه ای هستند که برای تحکیم سلطه سرمایه داری  
وابسته و سرکوب کامل کارگران و نیروهای هوادار طبقه کارگر تدارک دیده شده  
است .

تاریخ همه کشورهای جهان ، بویژه تاریخ مین ما بخوبی نشان می دهد  
که امپریالیسم و سرمایه داری وابسته برای استقرار و تحکیم سلطه خود پیش از هر  
چیز باید آزادی مطبوعات ، آزادی فعالیتهای سیاسی را از پیش پای خود برداردند .  
این تراژدی دوباره در مین ما باشد هر چند تماماً در حال تکوین است .

کارگران ، زحمتکشان ، روشنفکران انقلابی !  
آزادی همه ما در گرو اتحاد و ایستادگی مادر برابر متجاوزان به آزادی است .  
در این شرایط حساس که همه دستاوردهای انقلاب خلقهای ستم دیده ما در معرض  
تهاجم و نابودی است ، در این شرایط که آزادی اندیشه ، آزادی بیان و آزادی قلم  
در معرض نابودی جدی است ، تنها و تنها همبستگی و همگامی همه ما ، همکاری  
و همگامی همه نیروهای مستقل طبقه کارگر و نیروهای ضد امپریالیست می تواند  
از آزادی اندیشه ، آزادی بیان و آزادی قلم که ضامن استقلال مین است دفاع  
کند .

هر چه مستحکمتر باد اتحاد کارگران و زحمتکشان برای حفظ آزادی .  
و استقلال مین

آقای فروهر:

آیا باید از مبارزه دست برداریم  
و مثل همیشه در خدمت سرمایه داران باشیم؟

ما کارگران که همیشه در دوران قیام  
خونین ایران نقش موثری داشته ایم  
و توانسته ایم بیماری دیگر مردم مبارز  
ایران یکی از منفورترین دیکتاتورهای  
جهان را فراری بدهیم ، ثابت کرده ایم  
که آماده ایم تا پای جان در راه ساختن  
ایرانی آزاد و مستقل و خالی از هرگونه  
استعمار انسان از انسان تلاش نماییم و خون  
هزاران کارگر در مبارزه خونین خیابانی  
با کارخانه ها و ... گواه بر این مدعاست  
ما کارگران همانطور که رژیم پهلوی را  
به گور سپردیم خواهان بگور سپردن تمامی  
قوانین ضد کارگری که از طرف رژیم محمد  
رضا شاهی وضع شده بود نیز هستیم . ولی  
چون اخیراً از طرف آقای فروهر مسائلی  
 مطرح شده که از رادیو نیز پخش شد ما را  
در برابر سئوالی قرار داد که جواب آنرا از  
آقای وزیر کار می خواهیم .

آقای فروهر ، با حرف شما که  
می گوئید در دوران سازندگی ، کارگران  
باید بیشتر از پیش کوشش کنند ، موافقم  
امادراینجا این سئوال را از شما می کنیم  
که چگونه می توان در دوران سازندگی از  
نیروی تمامی طبقه کارگر همچنان که در  
به ثمر رساندن دستاوردهای انقلاب  
داشته اند استفاده کرد ؟ آیا شما می گوئید  
آنچه را که ما به خاطر مبارزات طولانی  
و خونین خود بدست آورده ایم -  
سرمایه داران زالو صفت پس بدهیم ؟

درباره حزب ...

مدت به ضررشان تمام خواهد شد . آیا  
این جریانها بدون اینکه نظرات انحرافی  
خود را تصحیح کنند و این رانه در حرف  
بلکه در عمل و مبارزه نشان دهند می توان  
وحدت کرد ؟ یا ملاً حزب توده طرفدار  
وحدت است و ادعا می کند که حزب  
طبقه کارگر است ( البته اخیراً در روزنامه  
مردم شماره اعلام کرده که حزب  
زحمتکشان است ) در حالیکه نه تنها  
هیچ یک از مشخصات لنینی حزب طبقه  
کارگر را ندارد ، بلکه خصوصیات یک گروه  
هوادار طبقه کارگر را هم ندارد . از یک  
طرف ادعا می کند که معتقد به مارکسیسم  
لنینیسم است . از طرف دیگر ایده آلیسم  
را هم قبول دارد و ادعا می کند که فلسفه  
در ارتباط با سیاست نیست . نظرات فلسفی  
هر عضو حزب امر خصوصی خود اوست و  
می توان مارکسیست بود ، اینک  
ماتریالیسم دیالکتیک را قبول داشت . البته  
این امر مساله تازه ای نیست . در جنبش  
کمونیستی جهان جریانات خرده بورژوازی  
سوسیال دمکراسی بارها به مبارزه علیه  
ماتریالیسم فلسفی برخاسته اند . رهبران  
انترناسیونال دوم یا خائنین به طبقه  
کارگر نیز همانند رهبران توده ای مدعی  
بودند که نظرات فلسفی هر عضو حزب امر  
خصوصی اوست . در همان زمان بلشویکها  
ولنین در برابر آنان اعلام داشتند که  
نظرات فلسفی عضو حزب امر خصوصی

بود و تاکتیک هایمان حداکثر انعطاف را  
داریم در اصول مارکسیسم - لنینیسم  
به حد اعلی سختگیر هستیم . ما طرفدار  
وحدت هستیم اما نه با دارنده کمیته  
مرکزی حزب توده ، بلکه با مارکسیست  
لنینیستها ، وحدت اصولی بر پایه وحدت  
ایدئولوژیک و سیاسی و تشکیلاتی استوار  
است و در پراتیک مبارزه طبقاتی و در جریان  
یک مبارزه پیگیر علیه هرگونه انحراف  
و کجروی تأمین می شود و وحدتی که  
چنین پایه ای استوار نباشد در ماهیتش  
پراکندگی و تشتت نهفته است و در حقیقت  
انحلال طلبی است . در راه وحدت اصولی  
جنبش کمونیستی ما از هیچ کوششی فروگذار  
نخواهیم کرد و در این راه از هیچ سختی  
و مشکلی هراس نداریم و بد استقبال  
آن خواهیم شتافت و اندر زهای کنار  
نشینان ما از راه اصولی خود در جهت  
تشکیل حزب طبقه کارگر باز نخواهد داشت .  
چرا که بقول ولنین " ما بصورت گروه  
کوچک به هم فشرده ای از راهی دشوار  
و پربازترنگاه ، دست هم را محکم گرفته  
و به پیش می رویم . ما زهرسو در محاصره  
دشمنان قرار داریم و تقریباً همیشه باید از  
زیر آتش آنان بگذریم . ما بنا بر تصمیمی  
آزاد درست برای آن دست اتحاد به  
هم داده ایم که با دشمن نبرد کنیم و به  
باتلاق مجاور که ساکنانش از همان آغاز  
کار ما را نکوهش کرده اند که چرا بصورت  
گروهی جدا در آمده طریق مبارزه و نه  
طریق مصالحه برگزیده ایم ، تلفظیم "

بقیه از صفحه ۷

کند . نه اینکه فقط خواست عده ای سرمایه  
دار وابسته را در نظر داشته باشند .  
ما می گوئیم که برای اینکه تمامی  
کارگران در سازندگی ایران امروز شرکت  
ورزند باید به تمامی کارگران کار داده شود  
و در مقابلش ساعت کار کارگران شاغل  
کاسته شود تا اینکه تماس کارگران از حداقل  
دستزد برای امرار معاش برخوردار باشند  
اینست یک راه حل درست یعنی بجای  
اینکه ۴۰ ساعت کار بیشتر کنید بیاید  
از ساعت کار بکاهید ولی بجای تعد اد  
بیشتری از کارگران را مشغول کار کنید .  
بباید کارها را طوری تقسیم کنید که تمامی  
کارگران بتوانند در آن شرکت ورزند .  
این بنظر ما یک راه حل کارگری  
می باشد و راه حل شما راه حل ضد کارگری  
( کارفرمایی ) است .  
در خاتمه شمارا در برابر سئوال زیر  
قرار می دهیم . آقای فروهر کدام را  
انتخاب می کنید ؟  
کار کمتر برای همه کارگران ...  
بیکاری کمتر برای کارگران ...  
سازندگی بیشتر برای مردم ایران  
یا  
کار بیشتر برای عده ای کارگر ...  
بیکاری بیشتر برای کارگران ...  
سازندگی بیشتر برای دشمنان طبقه کارگر  
ایران  
گروهی از کارگران

# تاریخچه جنبش کارگری جهان

## انقلاب ۱۸۴۸ میلادی فرانسه سرآغاز انقلابات اروپا

انقلابات ۱۸۴۸ اروپا (۱۲۲۷ شمسی) انقلابی با سرعت بیشتری آماده شده بود. دامنه‌دارترین و وسیعترین انقلابات بود که تا این تاریخ اروپا بخود دیده بود. هدف اساسی انقلابات ۱۸۴۸ - نابودی پایه‌های نظام فئودالی در تمامی کشورهای اروپا بود و همچنین از بین بردن سدهایی که جلو رشد و شکوفایی سرمایه داری را می گرفت.

گرچه انقلابات ۱۸۴۸ (۱۲۲۷ شمسی) انقلاباتی بورژوازی بود اما در شرایطی به وقوع پیوست که سرمایه داری بطور وسیعی در اروپا گسترش یافته بود و مارکسیسم یعنی جهان بینی طبقه کارگر در حال شکل گرفتن بود و مبارزات طبقاتی بین طبقه کارگر (پرولتاریا) و طبقه سرمایه دار (بورژوازی) بطور روزافزون شدت و توسعه می یافت. وجود چنین خصوصاتی است که این انقلابات را از سایر انقلابات بورژوازی کاملاً متمایز می کند. نقش بسیار مهم پرولتاریای کم و بیش آگاه، که اکنون دیگر به مثابه یک نیروی سیاسی مستقل در صحنه تاریخ ظاهر شده بود، برجسته ترین خصوصیات انقلابات ۱۸۴۸ بود. مارکس و انگلس، معلمان بزرگ طبقه کارگر، شخصاً در این انقلابات شرکت کردند و آن راهبری کردند.

انقلابات فوریه در فرانسه وقوع انقلاب در ماه فوریه ۱۸۴۸ در فرانسه نقطه شروع یک سلسله انقلابات در سایر کشورهای اروپایی بود. از سال ۱۸۳۰ میلادی (۱۲۰۹ ش) لوئی فیلیپ پسر فرانسه حکومت می کرد. سلطنت لوئی فیلیپ عمدتاً از منافعی بورژوازی بزرگ مالی (بانکداران) حمایت می کرد و سیاستهای داخلی و خارجی او عمدتاً در جهت حفظ منافع همین قشر بود. از سوی دیگر در حالیکه فرانسه در آن روز ۳۶ میلیون نفر جمعیت داشت، از این عده تنها دو بیست هزار نفر دارای حق رای بودند. در این میان نه تنها کارگران و دهقانان بلکه خرده بورژوازی و همینطور بخشی از بورژوازی از حق رای محروم بودند. همراه با توسعه صنایع در فرانسه بورژوازی صنعتی پایه های خود را مستحکم کرده و به طرق مختلف ناراضیاتی اش را از سیاست مستبدانه اشراف مالی آشکار می ساخت. در این میان گروهی از نمایندگان سلطنت طلب در مجمع ملی، خواستار اصلاح مقررات انتخابات شدند. چندی نگذشت که از پرولتاریا گرفته تا نمایندگان سلطنت طلب مجمع ملی همگی به مقابله با "سلطنت لوئی فیلیپ" برخاستند. البته خواستهها و اهداف سیاسی طبقات و اقشار مختلفی که قیام را شروع کردند کاملاً متفاوت بود. بحران اقتصادی سال ۱۷۴۷ میلادی تضادهای طبقاتی را در داخل کشور عمیق کرده بود و در نتیجه شرایط عینی

پرولتاریا فراهم کند. نخستین تدبیر بورژوازی عبارت بود از خلع سلاح کارگران. دولت موقت قطعنامه‌ای مبنی بر احیای و بازسازی گارد ملی بتصویب رسانید. سپس با بسیج گروه زیادی از عناصر لنین

پرولتاریا "گارد سیار" را که مرکب از ۲۴۰۰۰ نفر بود سازمان داد و از آن بعنوان ابزار سرکوب خود استفاده کرد. دولت موقت هم چنین عده زیادی از شخصیتها و مقامات عالی رتبه رژیم سابق را تیر کشید و با جمع آوری نیروهای ارتجاعی آنها را وارد دارگانهای بوروکراتیک خود کرد.

دولت موقت برای بی حیثیت کردن سوسیالیسم در بین مردم واقفانند تخم نفاق بین کارگران و دهقانان به بهانه پاسخ گفتن به مطالبات در خصوص حق کار که از سوی کارگران مطرح شده بود، دست به ایجاد "کارگاههای ملی" زد. برای انجام این کار دولت حدود صد هزار نفر از کارگران بیکار را جمع آوری کرد و به گونه‌ای شبه نظامی سازمان داد و به کارهای سنگین با دستمزدهای بسیار کم واداشت و این اعمال را اقدامات سوسیالیستی نامید. از سوی دیگر دولت موقت در مقابل ناراضیاتی شدید کارگران، از این وضع کوشید تا "سوسیالیسم" را مقرر جلوه دهد. همراه با این اقدامات، دولت میزان مالیات دریافتی از دهقانان و صنعتگران را افزایش داد تا به این ترتیب اینان را در مقابل طبقه کارگر قرار دهد.

در مقابل این اعمال ارتجاعی بورژوازی، کارگران ناچار واکنش نشان دادند. در ۲۱ ژوئن ۱۸۴۸ دولت موقت، تمام "کارگاههای ملی" را تعطیل اعلام کرد و دستور جمع آوری و اعزام کلیه کارگران مجرد را به سربازی

فرستاد. در مقابل این اقدامات ارتجاعی بورژوازی، کارگران ناچار واکنش نشان دادند. در ۲۱ ژوئن ۱۸۴۸ دولت موقت، تمام "کارگاههای ملی" را تعطیل اعلام کرد و دستور جمع آوری و اعزام کلیه کارگران مجرد را به سربازی فرستاد. در مقابل این اقدامات ارتجاعی بورژوازی، کارگران ناچار واکنش نشان دادند. در ۲۱ ژوئن ۱۸۴۸ دولت موقت، تمام "کارگاههای ملی" را تعطیل اعلام کرد و دستور جمع آوری و اعزام کلیه کارگران مجرد را به سربازی فرستاد.

گوا اینکه در بین اینها بودند افراد بی اطلاعاتی از کارگران شریف ایران - ناسیونال که ناگاهانه آورده شده بودند ولی این افراد خیلی خوب نشان دادند که با عناصر ارتجاعی همگام نیستند. این چند نفر هاج و واج ایستاده بودند و به صحنه زد و خورد می نگریدند. وقتی از یکی از این کارگران پرسیده شد چرا به اینجا آمده ای گفت: "من اصلاً از موضوع خبر نداشتم چند ساعت قبل عده ای آمدند توی کارخانه و گفتند چه نشسته‌اید که دارند آبروی کارگران ناسیونال را می برند. من هم به اتفاق چند نفر آدم بیبنم چه خبر است. ولی قبل از درگیری همان چند

تبعید شدند و به کارهای شاق گماشته شدند سپس بورژوازی شعار "بیاده نظام سواره نظام، توپخانه" را جایگزین شعار "آزادی، برابری، برادری" کرد. شعاری که بخوبی خصلت مستبدانه و ضدبشری بورژوازی را نشان می داد. علیرغم اینکه این قیام به شکست انجامید ارزش و اهمیت تاریخی آن غیر قابل انکار است. مارکس در این باره می گوید: "این اولین جنگ مهمی بود که بین دو طبقه ای که جامعه مدرن را ساخته اند، به وقوع پیوست. این قیام نبردی بود برای حفظ و پایداری نظم مستقر در جامعه بورژوازی".

قیام مسلحانه ماه ژوئن بخوبی نشان داد که طبقه کارگر به هیچ وجه نمی تواند در چهار چوب یک جمهوری بورژوازی، از آزادی و رهائی صحبت کند از سوی دیگر ریخته شدن خون کارگران انقلابی بر سنگفرش خیابانهای پاریس در واقع شکست کامل سوسیالیسم خرده بورژوازی لوئی بلان را اعلام کرد. بدینگونه بود که پرولتاریا از آن پس این شعار دلیرانه را در مبارزات انقلابی خود مطرح کرد.

انهدام بورژوازی استقامت را در دیکتاتوری پرولتاریا.

پیامهای همبستگی کارگری جهان به مناسبت اول ماه به سازمان فدائی خلق ایران رفقای عزیز

جبهه آزادیبخش خلق سیرالانکا بمناسبت جشن اول ماه مه درودهای انقلابی را به سازمان شما و از طریق شما به خلق رزمنده ایران می فرستد. ما خود را متعهد می دانیم که در مبارزه مشترک دوش بدوش شما مبارزه نمائیم

اسلامهای رفیقانه - دیرجبهه آزادیبخش خلق سیرالانکا - شعبه انگلستان

به رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اول ماه مه توده های پیروزمند ایران با سرنگونی رژیم شاه ضربه سختی بر امپریالیسم وارد آورده اند ولی انقلاب باید ادامه یابد. امپریالیسم به سرکردگی امریکا، صهیونیسم، نیروهای ارتجاعی غرب و رژیم های دست نشانده، مجموعاً اردوگاه دشمن در منطقه، سعی در متوقف کردن حرکت پیشرونده انقلاب در منطقه دارند. بنابراین اردوگاه خلق نیز باید به امر اتحاد، آگاهانه برخورد کند.

لحظه‌ای که بحرف عباس آقا گوش دادم دیدم درست برعکس است، عباس آقا نه تنها آبروی ما را حفظ می کند بلکه حرفهای ما را می زند. این بود که ایستادم و سعی کردم مانع از درگیری شوم اما خوب، دیدید که..."

چنین صحنه های جنایت باری اگرچه در آن سالهای اختناق برای مردم طبیعی تلقی می شد، اما دیدیم که چگونه خشم فروخورده مردم را برانگیخت و اکنون نیز این جنایات بیش از پیش موج تنفر عمومی فراهم آورده

### پیامهای همبستگی کارگری جهان به مناسبت اول ماه

به سازمانهای سیاسی و به سازمان ما مه

... ما معتقدیم، همه سازمانهای انقلابی که نقشی در شکست رژیم شاه داشته اند باید امکان داشته باشند تا نقطه نظرات خود را مطرح کنند.

بزرگداشت اول ماه مه را در ایران آزاد به طبقه کارگر و پیشاهنگ آن، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تبریک می گوئیم.

زنده باد مبارزه طبقه کارگر  
زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
زنده باد مبارزه مسلحانه تنها راه رهائی قطعی

اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی و اتحادیه ملی دانشجویان بحرینی  
ضمناً سازمانهای زیر به سازمان چریکهای فدائی خلق پیام فرستاده اند:  
میر-شیلی - شعبه انگلستان  
حزب انقلابی کارگران آرژانتین - شعبه انگلستان.  
انجمن دانشجویان اریتره در انگلستان.

وکاسه صبر مردم را لبریز خواهد کرد، و این مطمئناً طولی نخواهد کشید.

رفقای کارگر

بمنظور نقش آگاه کننده ای که این نمایشنامه و امثال آن می تواند در زندگی مبارزاتی شما ایفا نماید، و از آنجائیکه حمله عناصر مرتجع اجرای آن را برای تهیه کنندگان آن مشکل ساخته است، از این پس ما متن مصاحبه ای را که در حقیقت الهام بخش این نمایشنامه کارگری بود بطور متوالی به چاپ خواهیم رساند.

# انقلاب باید زندگی مردم را از پایه دگرگون کند

(۲)

مادر شماره گذشته به جنبه ضد امپریالیستی مبارزه خلق اشاره کردیم و اکنون به جنبه دیگر مسئله می پردازیم . مردم بر علیه رژیم خون آشام و دیکتاتوری سهمگین آن به پا خاستند تا با واژگونی این رژیم آزادی از دست رفته خود را بدست آورند . اما هنوز چند ماهی از سرنگونی رژیم نمی گذرد که یورشوسیعی به آزادیهای بدست آمده آغاز شده است . به شیوه های مختلف می کوشند که صدای حق طلبانه مردم را در گلو خفه کنند . آزادی انتقاد را با برجسب ضد انقلابی جواب می دهند ، آزادی مطبوعات مورد حمله همه جانبه و حساب شده ای قرار گرفته است . رادیو و تلویزیون که مدت ها در انحصار رژیم پیشین بود این بار نیز مانند گذشته به انحصار عده ای دیگر درآمده است . حقایق را وارونه جلوه می دهند . با برنامه ها و سخنرانی های تکراری شان همانند رژیم پیشین توده های مردم را زیر بمباران تبلیغات کذابی خود قرار داده اند . رادیو و تلویزیون را بخدمت گرفته اند تا به بر علیه امپریالیسم بلکه بر علیه نیروهای مترقی بکار برند . برنامه های رادیو تلویزیونی نه در جهت تقویت و تحکیم وحدت خلق بلکه در راه تفرقه و جدائی خلق تنظیم شده است . اگر جز این است چرا در مورد نقده ، سنجش ، خیزش و غیره به جعل حقایق و دروغ پردازی متوسل می شوند ؟ چرا صدای کارگران بیکار را بگوش مردم نمی رسانند و زمانی تن به خواست آنها می دهند که کارگران بیکار با تحمصصن دروزارت دادگستری بازور خواست خود را عملی کنند ؟ برآستی که رادیو تلویزیون رسالت خود را نه آگاه کردن هر چه بیشتر بلکه تحمیل آنها قرار داده است . آیا آزادی اجتماعات چگونه برخورد می شود ؟ این حق مسلم مردم است که تشکیلات اجتماعات بدهند . راهپیمائی کنند و خواسته های خود را مطرح سازند . ما امروزه شاهدیم که یک مشت عناصر ارتجاعی که مورد تائید و پشتیبانی انحصار طلبان قرار دارند به اشکال مختلف این حق مسلم مردم را لگد مال می کنند و در هر کجا که اجتماعی تشکیل شود و یا راهپیمائی صورت گیرد به صف آنها حمله می کنند . امپریالیسم برای ایجاد اختناق و سلب آزادیهای مردم به شیوه های مختلفی متوسل می شود و یکی از شیوه های آن تقویت گروه های فاشیستی و انحصار طلب است .

آیا مفهوم آزادی این است که به محض آنکه خلق های تحت ستم میهن ما خواسته های دمکراتیک خود را مطرح کردند ، آنها را به گلوله ببندند و بعد هم برای سرپوش گذاشتن بر اعمال ننگین خود دیگران را متهم کنند ؟ آیا معنی آزادی این است که هنوز چند روزی از

سرنگونی رژیم نگذشته است ، افراد معلوم الحالی که سوابق خیانت شان به خلق روشن است به اتهامات واهی و بی اساس به متهم کردن وزندانی نمودن کسانی بپردازند که در دوران رژیم گذشته بر سر هر کوی و برزن ، در هر خیابان در زیر شکنجه ، در زندان و میدان تیغ و فاداری خود راه خلق به اثبات رساندند مگر نه اینست که برای تضمین آزادیهای بدست آمده باید نهادهای دمکراتیک بوجود آید و تقویت شود ؟ پس چرا شوراهای کارگری و دهقانی گسترش نیافته است و هزاران مانع بر سر راه آنها بوجود آورده اند ؟ ما امروزه شاهدیم که تلاش دولت در این است که هر چه بیشتر شوراهای کارگری را از مسیر خود منحرف سازد و وظائف یک سندیکا را بر عهده آنها قرار دهد و سندیکاهای واقعی نیز زیر فشار قرار گرفته اند . هر کارگر شرافتمندی را که از منافع کارگران دفاع کند به مقابله اش بر می خیزند و با برجسب های کذابی او را مورد حمله قرار می دهند . مگر نه اینست که شوراهای پرسنل انقلابی ارتش برای این بوجود آمده که دیگر مانند گذشته انضباط کورکورانه بر روابط پرسنل نظامی حاکم نباشد و سربازان بی چون و چرا دستورات فرماندهان خود را اجرا نکنند و به روی مردم اسلحه نکشند ؟ پس چرا امروزه مجددا دستوراتی صادر می شوند و شوراهای راکه در واحدهای نظامی بوجود آمده است غیر قانونی اعلام می کنند و انتصاب فرماندهان و اطاعت کورکورانه را جایگزین آن می کنند ؟

**آزادی برای چه کسی؟**

آزادی تنها برای آن کسانی باقی مانده است که از مردم سلب آزادی می کنند به کتابغرو شیها حمله می کنند ، چاپخانه ها را تهدید می کنند و بر علیه نشریاتی که دست به افشاکاری می زنند ، توطئه می چینند . آزادی برای آن مشت انحصار گران خود خواهی باقی مانده است که به تحریک عده ای ناآگاه بپردازند ، دست به کثیف ترین کارها بزنند ، به مراکز و دفاتر سازمانهای سیاسی حمله کنند و نظیر قلدرها و قداره بندهای شعبان بی مخ با چاقو و پنجه بکوس به مردم حمله کنند . به محض اینکه کارگران برای گرفتن حق خود دست به اعتصاب و راهپیمائی می زنند آنها را ضد انقلابی می خوانند . اگر کارگران بیکار تقاضای کار کردند ، ضد انقلابی می شوند . به آنها حمله می شود و به گلوله بسته می شوند . اینها همه دلائل روشنی است بر اینکه چگونه حمله به آزادیهای مردم از سر گرفته شده است . کارگران به کدام خواست خود رسیده اند ؟ اولین چیزی که یک کارگر در برخورد اول با آن روبرو می شود این است که در اکثر موارد کارفرمای او همان کارفرمای قبلی است و عواملش همچنان در کارخانه بر سر کارند . کارخانه ها به نفع توده مردم ملی نشده اند و هنوز سرمایه داران وابسته به

استثمار کارگران می پردازند . کارگران به زندگی خود نگاه می کنند و هیچ تغییری را احساس نمی کنند . حتی مزد آنها افزایش نیافته است . کارگرها ، ستمی را که سرمایه داران زانو صفت در دوران رژیم گذشته بر او روا داشته اند به یاد دارند . او فراموش نمی کند که آنها همان کسانی هستند که در برابر حق طلبی کارگران و در برابر کوچکترین اعتراض آنها به قهر ضد انقلابی خود متوسل می شدند و نیروهای سرکوبگر رژیم پیشین نظیر ارتش ، پلیس ، ژاندارم و ساواک را به سرکوبی کارگران می فرستادند . کارگران می بینند که اینها همان گرگهای سابق اند که اکنون به لباس میش درآمده اند . در این شرایط اگر کارگران اعتراض کنند به آنها ضد انقلابی می گویند و در همان حال از آنها می خواهند که بیشتر تولید کنند . کارگران برای چه کسی باید تولید را افزایش دهند ؟ با وجود سرمایه داران وابسته مطمئنا نمی توان امید داشت که کارگران تولید را افزایش دهند . از کارگران گله دارند که چرا کم کاری می کنند و حال آنکه توجه نمی کنند که خواسته های کارگران برای رسیدن به آنها در انقلاب شرکت کردند ، تحقق نیافته است . کارگر

به چه چیزی باید دل خوش کند که صبر انقلابی داشته باشد ؟ آیا شره کار آنها به خودشان تعلق گرفته است ؟ ما امروز شاهدیم که به عوض افزایش مزد کارگران صدها میلیون تومان به سرمایه داران کمک می کنند . صدای کارگر را خفه می کنند و نظارت و کنترل بر تولید و توزیع توسط کارگران خبری نیست .

**آیا دهقانان به خواست های خود رسیده اند؟**

امروزه همه فریاد می زنند که وضعیت کشاورزی خراب است . اما کدام اقدام انقلابی برای حل این مسئله صورت گرفته است ؟ حل مشکلات کشاورزی نیاز به راه حلهای انقلابی دارد . باید در عمل از دهقانان حمایت شود نه در حرف . چرا تاکنون این خواست دهقانان که زمین متعلق به کسانی است که روی آن کار می کنند عملی نشده است ؟ چرا هنگامی که دهقانان با ابتکار خود برای بازپس گرفتن زمینهای غصب شده خود اقدام می کنند . دولت شدیداً به مقابله با آنها بر می خیزد و حتی آنها را غصب قلمداد می کند و برای آنها خط و نشان می کشد . چرا وامهای کم رکنی که دهقانان را خانه خراب کرده است لغو نشده و وامهای بدون

\* مگر نه این است که برای تضمین آزادی های بدست آمده باید نهادهای دمکراتیک بوجود آید و تقویت شود ؟  
\* چرا شوراهای کارگری و دهقانی گسترش نیافته و هزاران مانع بر سر راه آنها بوجود آورده اند ؟

بهره در اختیار دهقانان قرار گرفته است ؟ از سوی دولت و عناصر ارتجاعی شناخته شده مدام در برابر شوراهای دهقانی کارشکنی می شود و از گسترش آنها جلوگیری می شود . آنچه که می بینیم این است که به خواسته های اساسی دهقانان هیچگونه توجهی نشده است . کسبه و پیشه وران نیز که در گذشته زیر فشار سرمایه های بزرگ امپریالیستی و سرمایه داران وابسته قرار داشتند ، همچنان با مسائل گذشته دست به گریبانند و اقشار دیگر خلق نیز مسائل و مشکلات و خواسته هایشان حل نشده است . اینجاست که نتیجه می گیریم خواست های اساسی مردم تحقق نیافته زندگی آنها اساساً دگرگون نشده و درست در لحظاتی که مردم راه صبر و بردباری دعوت می کنند ، امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در پی تحکیم مواضع خویشند .

## (( پول یا گردش کالا ))

اینکه ارزش کالاها تغییر کرده باشد . مثلاً اگر در گذشته برای خرید یک کالا ده تومان پرداخت می کردیم حال باید برای خرید همان کالا ۲۰ تومان بپردازیم . عبارت دیگر ارزش پول کاهش یافته و نصف شده است . به مثال دیگر توجه کنید . مثلاً فرض کنید که ارزش کل کالاها تولید شده در یک کشور ( یعنی میزان کاراجتماعی لازم موجود در کالاها ) برابر میزان کار اجتماعی لازم برای تولید ۵۰۰ کیلو طلا باشد . در نتیجه ارزش کالاها برابر با ۵۰۰ کیلو طلاست . حال اگر "نمایش پولی" پانصد کیلو طلا ۵۰۰ میلیارد تومان باشد و دولت ۵۰۰ میلیارد تومان پول کاغذی منتشر کند و برای مبادله در اختیار فروشندگان و خریداران کالا گذارد ، مبادله سیری طبیعی خواهد داشت . ولی اگر دولت بدلیل مخارج زیاد از خود دست به انتشار اسکناس بیشتر از ارزش - کالاها تولید شده ( ۵۰۰ کیلوطلا = ۵۰۰ میلیارد تومان ) بزند نتیجه اش این می شود که میزان انتشار اضافی اسکناس به قیمت کالاها افزوده می شود یعنی مثلاً اگر ۵۰۰ میلیارد تومان اسکناس بیشتر چاپ شود نسبت کل کالاها تولید شده به همین میزان افزایش خواهد یافت و ۲ برابر خواهد شد . بدون اینکه ارزش آنها یعنی مقدار کار اجتماعی لازم در آنها تغییری کرده باشد . در این وضعیت ۵۰۰ کیلوطلا = ۵۰۰ میلیارد تومان اسکناس اضافی منتشر شده ۵۰۰ میلیارد

بقیه از صفحه ۷

حال که عملکردهای پول را شناختیم لازم است کمی هم در مورد پول کاغذی توضیح دهیم . پول کاغذی ( اسکناس یا اوراق بانکی ) بوسیله دولت با انتشار یافته و بعنوان واسطه گردش کالا و وسیله پرداخت جانشین و نماینده کالای خود . در واقع پول کاغذی بخودی خود هیچگونه ارزشی ندارد و فقط نشان دهنده ارزش مقدار طلائی است که پشتوانه آن است . پول برای اینکه بعنوان وسیله گردش کالاها عمل کند می بایست به مقدار معینی وجود داشته باشد . مثلاً برای اینکه کالائی که به پانصد تومان می ارزد بفروش رود باید معادل پانصد تومان پول وجود داشته باشد . در اقتصاد سرمایه داری ، دولت با بر طرف کردن نیازهای خود و برای تأمین مخارج خود که به دلیل بی برنامه بودن اقتصاد همیشه بیشتر از درآمدشان است مجبور می شوند که خیلی بیشتر از احتیاجاتی که برای گردش کالا دارند ، دست به انتشار اسکناس بزنند . روی این اصل مقدار پول منتشره از مقدار پول لازم برای تأمین گردش کالا بیشتر خواهد بود . فرض کنید که برای مبادله کل کالاها تولید شده در جامعه احتیاج به ۵۰۰ میلیارد تومان اسکناس باشد ولی دولت ۱۰۰۰ میلیارد تومان اسکناس چاپ کند . در این حالت در واقع حجم پول در جریان ۲ برابر مقدار ارزش پولی کالاهاست و به این ترتیب قیمت ها بطور مصنوعی ۲ برابر شده و صد درصد افزایش یافته است ، بدون

تومان اسکناس اولیه . در واقع به میزان انتشار اضافی اسکناس ، ارزش پول کاهش یافته و در مثال ، فوق نصف شده است . این کاهش ارزش پول و افزایش مصنوعی قیمت راکه علت آن افزایش نامناسب مقدار پول در جریان است ، تورم می گویند . معمولاً در کشورهای سرمایه داری افزایش قیمت کالاها بر اثر تورم به مراتب بیشتر از افزایش مزد کارگران و زحمتکشان است به همین دلیل است که تورم بیش از همه به کارگران و زحمتکشان لطمه می زند . مثلاً اگر کارگری قبلاً ۲۵ تومان مزد می گرفت و با آن زندگی می کرد ، حال که ۴۰ تومان مزد می گیرد برای خرید احتیاجاتش ۱۰ تومان هم کسر می آورد . درست است که در واقع مزد این کارگر ۱۵ تومان نسبت به گذشته افزایش یافته است ولی میزان تورم به مراتب بیشتر بوده بطوریکه برای خرید احتیاجاتش و زندگی در حد بخور و نمیر گذشته ۱۰ تومان هم کسر دارد . یعنی اگر این کارگر می خواست قدرت خرید گذشته و سطح زندگی گذشته اش را داشته باشد باید حداقل حقوقش دو برابر ( ۵۰ تومان ) می شد . چون به دلیل تورم قیمت همه چیز دو برابر شده است . " طبقات استثمار کننده و حکومت های سرمایه داری مدافع آنها ، عمداً به تورم متوسل می شوند تا سطح زندگی مردم را پائین آورند و استثمار کارگران و زحمتکشان را تشدید کنند ."

# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

# سخنی با دانش آموزان

ما با تاکید بر لزوم وجود فضای دمکراتیک برای برخورد آزادانه افکار و عقاید در محیط‌های آموزشی از رفقای دانش آموز می‌خواهیم که ضمن شرکت فعال در مسائل سیاسی و توجه کافی به آموزش ایدئولوژیک، توازن منطقی بین فعالیت‌های اجتماعی خود و فراگیری دروس ایجاد کنند و ضمن مبارزه برای تنظیم یک برنامه صحیح آموزشی، با برنامه‌های اصولی و حساب شده موقعت خویش را در زمینه‌های تحصیلی تضمین نمایند و با هرگونه سهل انگاری، لاقیدی و کم‌بها دادن به درس خواندن که از بی‌تجربگی بعضی از رفقا سرچشمه می‌گیرد مبارزه کنند.

موفق باشید

است و دانش آموزان در رساندن چنین یاری‌هایی همیشه پیشگام و پیشقدم بودند از رساندن نفت به منازل تا پاسداری مسلحانه از آزادی آنها. اکنون که مبارزات مردم به سرنگونی رژیم سابق منجر شده است، دانش آموزان هم می‌بایست به همراه سایر نیروهای انقلابی از منافع توده‌ها دفاع کنند و هوشیارانه به پاسداری از دستاوردهای انقلاب مردم بپردازند. در ارتقاء آگاهی سیاسی خود بکوشند. آموزشگاه‌ها را به محیطی سالم برای برخورد آگاهانه افکار و عقاید و بحث و گفتگو تبدیل کنند و انرژی عظیم خود را در خدمت توده‌ها و منافع آنها و در جهت افشاء حرکات و اعمال مغایر با منافع آنها بکار گیرند.

سهم ارزنده‌ای که دانش آموزان پیکار جو و انقلابی در مبارزات اخیر داشته‌اند، بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اعتراضات و اعتصابات و از همه مهمتر، نقش دانش آموزان در قیام مسلحانه به روشنی نشان داد که جوانان دانش آموز مانا چه اندازه به آگاهی سیاسی دست یافته‌اند و تا چه حد به لزوم رهایی مردم میهن از قیدارتجاع و امپریالیسم پی برده‌اند. براستی انقلاب و مبارزات مردم در کوچه و خیابان هم بزرگترین آموزشگاه برای رفقای دانش آموز بود و چه بسیار تجربیات در مبارزه آموختند و در جنگ و گریز با دشمنان بکار بستند که از درس و کتاب‌های آنچنانی بسیار ارزنده‌تر بود. لازم است دوران انقلاب، یاری مردم به یکدیگر

# امپریالیسم جنایتکار آمریکا به چه چیز اعتراض میکند؟

ارودگاه‌های آوارگان فلسطینی می‌ریزند امپریالیسم آمریکا که با ایجاد قطعی‌های مصنوعی در افریقا برای منافع اقتصادی و برای در تنگنا گذاشتن مبارزین و آزادیخواهان هزاران نفر را از گرسنگی به هلاکت می‌رساند، به چه چیز اعتراض می‌کند؟ آیا جز برای حفظ نوکران حلقه بگوش و منافعش و ادامه حاکمیت اقتصادی و سیاسی نیست که اعتراض می‌کند؟ وابستگی این عناصر مزدور به آمریکا و اعتراض احمقانه سنای آمریکا به اعدام انقلابی آنان نشانه دیگری از خیانت این وطن فروشان و حافظین منافع بیگانگان است که جز اعدام مستحق هیچ چیز دیگری نیستند.

ماضین تائید اعدام‌های انقلابی دادگاه‌ها، تاکید می‌کنیم که قطع نفوذ امپریالیسم جز با تلاش تمامی مظاهر وابستگی و جز با کوتاه کردن دست سرمایه‌داران وابسته که حافظ و نگهدارنده منافع و تائین کننده نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم هستند، امکان پذیر نیست.

\*\*\*

اعدام‌های انقلابی عناصر ضد مردمی و خائنین به خلق بار دیگر امپریالیسم آمریکا را به زوزه و اداشته است و سنای آمریکا اراده ستم‌دیدگان و مردم زحمتکش ما را که در دادگاه‌های انقلاب تجلی یافته است محکوم می‌سازد.

زمانیکه این جنایتکاران و وابستگان به (سیا) به ترک تازی مشغول بودند مبارزین را به خون می‌کشیدند و همه چیز را غارت می‌کردند، امپریالیسم آمریکا چرا اعتراض نمی‌کند؟ برای خلع قهرمان ما این مسئله روشن است که امپریالیسم آمریکا با دلالتی و واسطه‌گری این جانیان بوده که کودتای ننگین ۲۸ مرداد را به راه انداخت و مردم مبارز ما را به خون کشید و طی ۲۵ سال حمایت بی شرمانه و همه جانبه از شاه خائن چه با مستشاران نظامی و چه دستگاه‌های جاسوسی میهن ما را به تباهی کشاند و به چپاول و استثمار مردم پرداخت.

امپریالیسم آمریکا که دست جنایتکارش به خون یک میلیون مبارز ویتنامی آلوده است، امپریالیسم آمریکا و عمالش که بمب‌های خوشه‌ئی به

# اختناق نابود است...

چریکهای فدائی خلق ایران باید آزاد گردند. دریای جمعیت بایدین این پلاکارد بیدرنگ ازجا برخاست و با مشت‌های گره کرده و با تمام نیروی خود به تکرار شعارهای زیر پرداخت.

"زندانی فدائی آزاد باید گردد"  
"زندانی سیاسی آزاد بایسد گردد، چریک فدائی آزاد باید گردد"

در جریان این اجتماع بویژه هنگام قرائت پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و نیز هنگام سخنرانی یک مادر فدائی جمعیت چندین بار به شعار دادن برخاست و شعارهایی از قبیل "اختناق نابود است، انقلاب پیروز است" بارها تکرار شد.

جبهه دمکراتیک ملی ایران  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
جبهه آزادیبخش فلسطین  
سازمان دانشجویان پیشگام  
سازمان ملی دانشجویان  
کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن  
سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات  
کانون مستقل معلمان  
نهضت رادیکال  
جمعیت حقوقدانان  
کانون نویسندگان  
پس از نطق دکتر شایگان که تاکید زیادی بر آزادی اندیشه و آزادی مطبوعات کرد، پلاکاردی بالا رفت که روی آن نوشته شده بود ۴۳ تن اعضا و هواداران سازمان

# پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

امروز یکصدمین سالگرد تولد مردی است که میهن پرستان و آزادیخواهان ایران، هرگز خاطره مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه او را فراموش نخواهند کرد. نام مصدق همیشه برای مبارزان و انقلابیون ایران گرامی است. مصدق آزاده‌ای بود که هرگز از برخورد آزادانه اندیشه هانهراسید و در تمام طول زندگی مبارزاتش، عشق خود را به آزادی اندیشه، آزادی فعالیت‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان که ضامن آگاهی توده‌ها و استقلال میهن است، نشان داد. او برخلاف انتظار فرصت طلبان، از هرگونه تنگ نظری و کوته بینی مبرا بود و همیشه از قشریون و آنتهایی که در پی عوامفریبی بودند، بیزار بود. ما یکبار در سالگرد وفات مصدق، بر مزار او در احمد آباد گرد آمدیم و با گرامی داشت خاطر او، بر ضرورت همبستگی و همکاری کارگران، زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه، در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب میهن و دفاع از آزادی و استقلال ایران و پیگیری در مبارزات ضد امپریالیسم خلق‌های ایران تاکید می‌کنیم.

امروز برای دومین بار پس از قیام شکوهمند خلق‌های قهرمان ایران، بار دیگر نام وحدت بخش مصدق را به کمک می‌گیریم و در یکصدمین زادروز او، عهد می‌بندیم که در راه تحقق آرمان مصدق، یعنی استقلال و آزادی ایران و محور کامل سلطه امپریالیسم از هیچ‌گونه نفاقاری دریغ نکنیم و هرگز همان گونه که در گذشته نشان داده ایم، تسلیم ارباب، تهدید و اختناق که لازمه سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته است نشویم.

هم میهنان مبارز، بدون تردید انقلاب خونین ایران که خلقی ستمکش، در میان آتش و خون و در دورنج، با اراده‌ای آهنین، مخوفترین و ستمگرترین دیکتاتوری جهان را به زیر کشید، یکی از مهمترین و شکوهمندترین حماسه‌هایی است که کارگران، زحمتکشان

# هنر مردمی هنوز هم مورد یورش است!

وزیر شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار می‌داد، اگر برای مردم همه این جنایتها نتیجه ماهیت کثیف حکومت پهلوی به حساب می‌آمد، اما تکرار این صحنه‌ها، چه چیزی را توجیه می‌کند؟ یکی از فاجعه انگیزترین صحنه‌ها چند روز قبل اتفاق افتاد. مشت‌های عناصر مرتجع به داخل دانشکده هنرهای تزئینی هجوم آوردند و ضمن نادیده گرفتن حرمت دانشکده، صندلی‌ها را شکستند، پایه‌های صندلی‌ها را برداشتنند و آنها به جان تماشاچیان و بازیگران نمایشنامه افتادند. مهاجمان در این یورش باز بگرتناتر مردمی را آتقدیر می‌زنند که از هوش می‌رود، ضربات کارد یکی را از پای می‌اندازد و دیگری که می‌خواست فرار کند با ماشین تعقیب می‌شود و در وسط بقیه در صفحه ۱۰

موقعی که فاشیسم در ایران در اوج قدرت خود بود، زمانیکه ماشین سرکوب دولتی مانع هرگونه حرکت مبارزاتی کارگران در کارخانه‌ها می‌شد، در شرایطی که یورشهای شبانه شکنجه‌گران ساواک هر عمل ترقی خواهانه را درهم می‌شکست در شرایطی که خواندن فقط یک اعلامیه از یک گروه سیاسی و یا تهیه یک نمایشنامه مردمی با شکنجه‌های قرون وسطایی توأم بود و زندانهای طویل المدت بدنبال داشت. آری، در آن شرایط، یورش بردن و حمله کردن به محل اجرای نمایشنامه‌های مردمی زیاد غیرطبیعی تلقی نمی‌شد. اگر در گذشته ساواک مانع اجرای نمایشنامه‌های "آموزگاران" و "تنه‌دلان" می‌شد، اگر یکباره هجوم می‌آوردند صندلی‌ها را می‌زدند و کور را درهم می‌شکست، اگر به صحنه تمرین تئاتر "انگلها" یورش می‌برد همه بازیگران هنرمردمی را دستگیر می‌کرد

ورزندگان یک سرزمین در قرون جاری پدید آمده‌اند. در جریان این انقلاب خلقی قهرمان در برابر ارتشی که یکسال تمام به قتل عام مردم مشغول بود و با قسوتی که از هیچ ارتش اشغالگری ساخته نبود، ده‌ها هزار تن از دلاورترین فرزندان این مزر و بوم را به خاک و خون کشید، دلاوران ایستادگی کرد و سرانجام این ارتش مخوف را از پای درآورد. اما بدون شک هیچ انقلابی تا بدین حد در معرض نابودی کامل قرار نگرفته و در هیچ انقلابی، سازشکاری و فرصت طلبی تا بدین حد راه نیافته است. بسیاری از کسانی که امروز به حاکمیت رسیده‌اند، همه فکر و ذکرشان را برای منحرف کردن مبارزات ضد امپریالیسم و ضد سرمایه داری وابسته کارگران و زحمتکشان ایران به کار بسته‌اند و با تمام نیروی خود شب و روز می‌کوشند سرمایه داری وابسته را نجات دهند. یعنی وابستگی اقتصادی نظامی و سیاسی ایران را به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا حفظ کنند.

کوششهای همه جانبه در جریان است تا کارگران یعنی همان نیروئی که برای رهایی خود و زحمتکشان بزرگترین نقش را در قیام قهرمانانه خلق‌های ایران بازی کرد، دوباره چون گذشته به سروری سرمایه داران وابسته و کارگران آنها گردن نهند. فشار بر کارگران دم به دم افزایش می‌یابد. نیروهای هوادار طبقه کارگر از جانب دست راستیهای افراطی که می‌خواهند ایران را دودستی تقدیم امپریالیسم کنند در معرض شدیدترین حملات قرار گرفته‌اند و کار به جایی رسیده که اگر کارگران بیکار بخواهند برای احقاق ابتدائی ترین حقوق خود به پا خیزند، دوباره چون گذشته به گلوله بسته می‌شوند یا روانه زندان می‌گردند در وضعیت دهقانان هیچ تغییری پدید نیامده و امید به تغییر نیز روز به روز کمتر می‌شود. شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند" نخست از جانب برخی مقامات سیاسی و مذهبی پذیرفته شد. اما هر روز که می‌گذرد، امکان تحقق این شعار کمتر می‌شود و مقاومت حاکمیت در برابر خواست به حق دهقانان، بیشتر می‌شود.

پرسنل انقلابی ارتش که با نثار صدها شهید در برابر جلادان و مزدوران امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم به مقاومتی دلاورانه دست زد و در حساس ترین و سخت ترین شرایط دوشادوش رزمندگان خلق به مبارزه بر علیه فرماندهان مزدور و جلادان شاه برخاست، هر روز زیر فشار بیشتری قرار می‌گیرد. تا جایی که حق فعالیت‌های سیاسی که از ابتدائی ترین حقوق هر انسانی است و مقامات سیاسی و مذهبی زیر فشار مردم و پرسنل انقلابی تا همین یکماه پیش آنرا می‌پذیرفتند، با گستاخی تمام انکار می‌شود. سربازان و افسرانی که جان برکف گذاشتند و میهن پرستی و عشق به خلق‌های ایران را با نثار خون پاک خویش اثبات رساندند

بقیه در صفحه ۹

# یاد شهدا گرامی باد

امروز (سوم خرداد) مصادف است با هشتمین سالگرد شهادت رفقا، امیر پرویز بویان، رحمت الله پیروندیری و اسکندر صادقی نژاد. همچنین هفته گذشته روزهای ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت مصادف بود با سومین سالگرد شهادت ۱۵ تن از رفقای سازمان که مراسم بزرگداشت آنان نیز از طرف خانواده‌ها برگزار شد.

یاد این رفقای شهید و همه رزمندگان راه رهایی خلق و طبقه کارگر را گرامی می‌داریم.

رفقای شهید  
عزت غروی (رفیق مادر) \* فریسه  
غروی \* لادن آل آقا \* یارزنگ شام  
اسبی \* ناصر شام اسبی \* غلامعباس  
زرکاری \* زهره مدیر شانهچی \* میترا ل  
صفت \* مصطفی حسن پور \* بهروز ارمانی  
پرفرا صدیقی باشاکی \* اسمعیل عابدی  
حسین فاطمی \* احمد رضا قنبر کوهی

# انتخاب شورای عالی

# کانون زندانیان سیاسی

کانون زندانیان سیاسی (ضدامبر - یالیست، ضد ارتجاع داخلی ایران) که با هدف مبارزه علیه بازگشت و گسترش اختناق و جلوگیری از حاکمیت مجدد ارتجاع تشکیل شده است، دهم خرداد برای بررسی و تصویب اساسنامه و انتخاب شورای عالی کانون اعلام کرده است. شرکت نیروهای مترقی و آزادیخواهی که در رژیم سابق در بند و زنجیر نگاهداشته شده بودند و از نزدیک موضوع جنایات و شکنجه این عوامل امپریالیسم بودند، در این انتخابات کام موثری است. در جهت انجام حرکتی یکپارچه و استوار علیه اقدامات ضد دمکراتیک و بازگشت ارتجاع و اختناق.

# مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا